

# سبک زندگی و اقتصاد در خانواده

مرکز سبک زندگی وزارت بهداشت (سبک خواهان)





# سبک زندگی و اقتصاد در خانواده

(برگرفته شده از کتاب آیه های زندگی)

تأییدیه محتوا، مدیریت عقیدتی نظارت مرکز سیج وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

تدوین: مرکز سیج وزارت بهداشت - سیج خواهران

گردآوری: گل زمان اوجاخی

ویرایش: معصومه رحیمی

سال تدوین خرداد ۱۳۹۲

# سبک زندگی و اقتصاد در خانواده

۳	هرکس مرهون تلاش و کار خویش است
۴	نعمت های الهی و فرصت های مادی وسیله ای برای آزمایش است
۶	مالکیت اصلی از آن خداست
۸	سرمایه گذاری در زمین و آباد کردن آن تکلیف همگانی است
۱۰	پس نعمت های زمین را به خدمت خویش گیرید
۱۱	از فرصت های مادی برای ایجاد اشتغال و تولید بهره گیرید تا به بهشت برسید
۱۴	امکانات اقتصادی و امواتان را به افراد خود کامه و نادان نسپارید
۱۷	آزادانه تجارت کنید، اما اموال یکدیگر را به نا حق نخورید
۱۹	در دادوستدها و برنامه های اقتصادی، اسناد معتبر و محکم تنظیم کنید
۲۳	ای مومنان، استقلال اقتصادی را در برنامه ها و طرح ها در نظر بگیرید
۲۵	گشایش مالی در زندگی شما در گرو تقواست
۲۹	هرکس امور معنوی را نادیده بگیرد بهره اش از عمر خوردن و چریدن است
۳۰	قرآن میانه روی را الگوی مصرف و عامل پایداری خانواده و جامعه می داند.
۳۳	جامعه اسلامی را جامعه ای متعادل معرفی می کند

۳۶	عدالت اجتماعی را ویژگی پیروان انبیا دانسته است
۳۸	این دنیا با همه بزرگی اش نا چیز است. به آن دل خوش نکنید، به آخرت بیندیشید
۴۱	دارایی و ثروت حقیقی ایمان و عمل صالح است.
۴۲	ایمان و تقوا عامل آبادانی و رشد و توسعه پایدار است
۴۴	نقش کاهش مفاسد اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی
۴۶	آشکار شدن گناهان در جامعه نابسامانی اقتصادی در پی دارد
۴۹	روزی همه جنبندگان تضمین شده است باید آن را جست
۵۱	پس روزی را فقط از او بخواهید
۵۳	بدانید که شکر نعمت روزی گشا و عامل رشد اقتصادی است
۵۸	کفران نعمت های خدا فقر و ناامنی در پی دارد
۵۹	قرآن طرفدار رفاه عمومی و مخالف انباشت ثروت و نیز ثروت های باد آورده است
۶۱	در اسلام، ثروت اندوزی و انحصار طلبی در اموال ممنوع است
۶۹	مسابقه
۷۰	نظر سنجی

# هر کس مرمون تلاش و کار خویش است

أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ۳۹  
وَأَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يَرَى ۴۰

سوره : نجم جزء : بیست و هفتم حزب : ۱۰۶

(۳۹) و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده چیزی نیست.

(۴۰) و سعی و تلاش او به زودی ( به مرگ یا قیامت ) دیده خواهد شد.

## تفسیر المیزان - خلاصه

(۳۹) (وان لیس للانسان الا ماسعی): (و اینکه انسان به جز کار و تلاش خودش سرمایه ای ندارد؟)

(۴۰) (وان سعیه سوف یری): (و اینکه او بزودی نتیجه سعی خود را می بیند؟)

## تجسم اعمال و پاداش در قیامت

(۴۰) تنها نتیجه‌های این سعی و تلاش- چه در مسیر خیر باشد یا شر- بلکه خود اعمال او، در آن روز در برابرش آشکار می‌شود، همان گونه که در آیه ۳۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «روزی که هر کس اعمال نیکی را که انجام داده حاضر می‌بیند».

منبع : تفسیر نمونه      قالب : تفسیری      موضوع اصلی : پاداش اعمال

# نعمت های الهی و فرصت های مادی وسیله ای برای آزمایش است

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۲۸

حزب : ۳۶

جزء : نهم

سوره : انفال

## آیت الله مشکینی

و بدانید که اموال و فرزندان و وسیله آزمایش اند ، و خداست که پاداشی بزرگ در نزد اوست.

### تفسیر المیزان - خلاصه

(واعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنه و ان الله عنده اجر عظیم): (و بدانید که اموال و فرزندان و وسیله آزمایش شما هستند و پاداش بزرگ تنها نزد خداوند است). ظاهراً این آیه تتمه مطلب آیه قبلی است و معلوم می شود بعضی از مسلمانان اسرار سیاسی و جنگی مسلمانان را نزد مشرکان فاش می کرده اند و خداوند آنها را از این کار منع نموده و می فرماید: اگر شما این کارها را برای این می کنید که مشرکان درمکه به اموال و اولاد که آنها را ترک نموده آید، و به مدینه آمده آید، تجاوز نمایند، در این صورت بدانید که این دارائیه و اولاد شما جز فتنه ای نیستند که خداوند شما را با آنها می آزمایشد و بدانید که اجر عظیم در نزد خدای سبحان است و این پاداش بالاتر از دارائیهایی است که از جهت از دست دادن آنها نگران و بیمناک هستید.

محور بسیاری از لغزشهای انسان و ریشهی بسیاری از گناهان از قبیل: معاملات حرام، احتکار، دروغ، کمفروشی، ترک انفاق، ندادن خمس و زکات، حرص و کارشکنی و سوگندهای دروغ و تضییع حقوق مردم، گریز از میدان جنگ، ترک هجرت و جهاد و... علاقه به مال و فرزند است. پس اینها

عامل امتحان و لغزشند، آن گونه که ابولبابه را (آیه قبل) به لغزش کشید و برای حفظ مال و فرزندان خود، به همکاری با دشمن وادار کرد. کسانی که از مدینه به ابوسفیان خبر دادند که مسلمانان برای تصاحب کاروان تجارتی آنان نیرو بسیج کرده‌اند، از مهاجرانی بودند که در مکه مال و فرزندی داشتند. <۴۸۹> قرآن با تعبیرات مختلفی به فتنه بودن مال و فرزند و دل نیستن به آنها و امکان انحراف به واسطه‌ی آنها هشدار داده است، از جمله: الف: امکان شرکت شیطان در مال و فرزند انسان. «شارکهم فی الاموال و الاولاد» <۴۹۰> ب: افزون‌خواهی در مال و فرزند و آثار منفی آن. «تکائر فی الاموال و الاولاد» <۴۹۱> ج: بازدارندگی فرزند و مال از یاد خدا. «لا تلکم أموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله» <۴۹۲> د: نجات‌بخش نبودن اموال و اولاد در قیامت. «لن تغنی عنهم أموالهم و لا اولادهم» <۴۹۳> در آیه نکاتی به چشم می‌خورد که نشان می‌دهد آزمایش مال و فرزند بسیار سخت و جدّی و پیروز شدن در آن بسیار مهم است، اولاً آیه با جمله‌ی «واعلموا» آغاز شده که هشدار است. ثانیاً کلمه‌ی «انّما» نشان می‌دهد که آزمایش با مال و فرزند چون و چرا ندارد و حتمی است. ثالثاً خود مال و فرزند فتنه شمرده شده‌اند، نه‌آنکه وسیله آزمایش و فتنه باشند. <۴۹۴> حضرت علی علیه السلام فرمودند: «لایقولن احدکم اللهم اتی اعوذ بک من الفتنه لانه لیس احد الا و هو مشتمل علی فتنه»، هیچ کس از خداوند دوری از فتنه و آزمایش را نخواهد، زیرا همه‌ی مردم بدون استثنا دچار آن می‌شوند، بلکه دوری از لغزش و انحراف در آزمایشات را از خدا درخواست کند. آنگاه حضرت درباره‌ی علّت و فلسفه‌ی امتحان‌های الهی فرمود: تا راضی از ناراضی مشخص شود و عوامل سعادت و شقاوت هرکس در اعمال او مشخص گردد. <۴۹۵> ۱- علاقه‌ی افراطی به مال و فرزند، انسان را به خیانت می‌کشد. «لا تخونوا... و اعلموا...» و حتّی گاهی موجب دست برداشتن از اصول انسانی و دینی (امانت و ادای امانت) می‌شود. (با توجّه به شأن نزول آیه قبل) ۲- مال و فرزند می‌توانند دو دام فریبنده باشند. «انّما اموالکم و اولادکم فتنه» ۳- توجّه به پاداش بزرگ الهی، از اسباب دل‌کندن از دنیا و ترک خیانت است. «انّ الله عنده أجر عظیم» ۴- مال و فرزند با تمام جاذبه‌هایی که دارند، در مقایسه با الطاف و پاداش‌های الهی ناچیز هستند. (در برابر «اموالکم و اولادکم»، عبارت «اجر عظیم» آمده است) <۴۹۶>



# مالکیت اصلی از آن خداست

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱۲۰

سوره : مائده جزء : هفتم حزب : ۳۶

## آیت الله مشکینی

ملکیت حقیقی و حاکمیت آسمان ها و این زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست ، ( زیرا پدید آوردن آنها و حفظ و تدبیر و سپس اعدام آنها در موعد مقرر تحت اراده کامله اوست ) و او بر همه چیز تواناست.

## تفسیر المیزان - خلاصه

(لله ملك السموات و الارض و ما فيهن و هو على كل شىء قدير): (ملك آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست متعلق به خداست و او بر هر چیزی قادر است)، (ملك) سلطنت مخصوصه است بر همه اشیاء و اثر آن نفوذ اراده مالک در هر تصرفی است که بخواهد در آن بنماید. و (ملك) عبارتست از سلطنت مخصوصه ای بر نظام موجود بین اشیاء، و اثر آن عبارتست از نفوذ اراده در آنچه که بر آن تسلط دارد، پس ملك متعلق به فرد است و ملك متعلق به جماعت، و چون ملك در نفوذ اراده فعلی مقید به داشتن قدرت است، پس اگر قدرت تام و مطلق باشد، ملك نیز مطلق بوده و به هیچ قید و حالتی مقید نخواهد بود، لذا در آخر می فرماید: او بر همه امور قادر است و با این جمله که دلالت بر ملك مطلق پروردگار می کند سوره مائده پایان می یابد و مناسبتش هم با غرض سوره آشکار است، زیرا غرض در این سوره واداشتن بندگان به عبادت و وفای به عهد و پیمانی است که پروردگار مالک علی الاطلاق آنان از آنها گرفته است، پس برای آنان چیزی باقی نمی ماند، جز مملوکیت مطلق

و شنیدن و اطاعت در برابر آنچه به آنان امر و نهی می‌کند و همچنین وفای به عهد و نشکستن پیمانی که پروردگار از آنان گرفته است

### وجوب وفای به عهد بندگان در برابر خداوند

با این آیه که دلالت بر ملک مطلق پروردگار می‌کند سوره مائده پایان می‌یابد و مناسبتش با غرض سوره هم پیدا است، زیرا غرض در این سوره واداری بندگان به عبادت و وفای به عهد و پیمانی است که پروردگار مالک علی الاطلاق آنان از ایشان گرفته پس برای آنان چیزی باقی نمانده مگر مملوکیت علی الاطلاق و شنوایی و اطاعت در برابر آنچه امر و نهیشان می‌کند و وفای به عهد و نشکستن پیمانی که از ایشان گرفته است .

منبع : ترجمه المیزان، ج ۶، ص: ۳۶۲ قالب : تفسیری موضوع اصلی : وفای به عهد

### معنای کلمه «ملک»

(ملک\_ به کسر میم) سلطنت مخصوصه است بر رقیه اشیا، و اثر آن نفوذ اراده مالک است در هر تصرفی که بخواهد و بتواند در آن بنماید، و (ملک\_ به ضم میم) عبارتست از سلطنت مخصوصه‌ای بر نظام موجود بین اشیا، و اثر آن عبارتست از نفوذ اراده در آنچه که بر آن سلطنت دارد. و به عبارت ساده ملک (به کسر میم) متعلق به فرد است و (ملک\_ به ضم میم) متعلق به جماعت است و چون ملک در نفوذ اراده فعلی مقید و متقوم به داشتن قدرت است، پس اگر قدرت تامه و مطلقه باشد ملک نیز ملک مطلق بوده و به هیچ قیدی از قیود و حالی از احوال مقید نخواهد بود. و برای بیان همین نکته خدای تعالی در دنبال جمله «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا فِيهِنَّ» فرمود: «وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

منبع : ترجمه المیزان، ج ۶، ص: ۳۶۲ قالب : لغوی موضوع اصلی : بدون موضوع

«لله ملك السموات و الارض» -

عبادت کسی شایسته است که سلطنت عالم و قدرت مطلقه‌ی هستی در اختیار اوست، نه دیگران، گرچه پیامبر باشند. «لله ملك السموات و الارض»

قالب : تفسیری      موضوع اصلی : خداوند

## سرمایه‌گذاری در زمین و آباد کردن آن تکلیف، همگانی است

وَ إِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ  
غَيْرِهِ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ  
تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ٦١

سوره : هود      جزء : دوازدهم      حزب : ٤٦

### آیت الله مشکینی

و به سوی قوم تمود برادر ( نسبی یا قبیله ای ) آنها صالح را ( فرستادیم ) گفت: ای قوم من ، خدای یکتا را بپرستید ، که شما را جز او خدایی نیست ، اوست که شما را از این زمین آفریده ( جدّ و جدّه اولتان را بلاواسطه و نسل آنها را باواسطه از خاک خلق نموده ) و شما را در آن زندگانی داده و آباد کردن آن را از شما خواسته پس ، از او ( درباره گناهانتان ) آمرزش بخواهید آن گاه ( با عمل های شایسته ) به سوی او بازگردید ، به یقین پروردگار من ( به بندگانش ) نزدیک و ( دعاهایشان را ) اجابت کننده است.

(و الی نمود اخاهم صالحا قال یا قوم اعبدوا الله مالکم من اله غیره هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه ان ربی قریب مجیب): (و به سوی نمود برادرشان صالح را فرستادیم که فرمود: ای قوم من ، خدای واحد را بپرستید که جز او برای شما معبودی نیست او شما را از زمین ایجاد کرد و شما را به آبادانی آن گماشت ، پس از او طلب آمرزش کنید و بسوی او باز گردید، همانا پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است )، همانند آیه سابق که در مورد حضرت هود(ع) بود در اینجا نیز حضرت صالح (ع) را برادر قوم نمود نامیده چون او از همان قبیله بوده و نیای مشترک داشته اند و باز برای تحریض آنها بر ایمان ، ایشان را با لفظ (ای قوم من) (یا قوم) خطاب نموده و آنها را به عبادت خدای واحد دعوت می نماید و آنگاه عبادت را در او منحصر نموده و می فرماید، اصولا جز خدا معبودی برای شما نیست ، چون اوست که شما را از زمین و مواد زمینی آفرید و آنگاه شما را هدایت و تکمیل نمود تا بتوانید در زمین تصرفات نمایید و از آن بهره برداری کنید، یعنی شما در ایجاد و ابقاء خوداحتیاجی به بتها ندارید، بلکه محتاج خدای متعال هستید. لذا برای عبادت این بتها از خدا طلب مغفرت و آمرزش نمایید و بسوی او توبه کنید و به عبادت او بپردازید و به او ایمان بیاورید، چون پروردگار من به خلاف بتهای شما، که هیچ درک و شعوری ندارند و عبادت و قربانی برای آنها سودی ندارد.(قریب) است ، یعنی از همه اسباب ظاهری به انسان نزدیکتر است و نیازی به شفاعت بتها و واسطه شدن آنها ندارد و ثابیا(مجیب) است ، یعنی اجابت کننده و پاسخگوی همه حوائج شماست و حال که الله تعالی به شما نزدیک است و پاسخگوی شماست و هیچ معبودی جز او نیست ، قهرا واجب است که از او طلب آمرزش کرده و بسوی او باز گردید.

#### بیان آیات ۶۱ تا ۶۸

این آیات کریمه داستان صالح پیغمبر (علیه السلام) و قوم او را که همان قوم نمود بودند شرح می دهد و صالح (علیه السلام) سومین پیغمبری است که به دعوت توحید و علیه و تثبیت قیام کرد و نمود را به دین توحید خواند و در راه خدا آزارها و محنتها دید تا آنکه سرانجام خدای عز و جل بین او

و قومش این چنین حکم کرد که قومش را هلاک ساخته و او و مؤمنین به او را نجات دهد.

منبع : ترجمه المیزان: ج ۱۰، ص: ۴۶۰ قالب : تفسیری موضوع اصلی : داستان قوم ثمود

## پس نعمت های زمین را به خدمت خویش کمید

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ الشُّورُهُ ۱

جزء : جزء بیست و نهم حزب : ۱۱۲

### آیت الله مشکینی

اوست آن که زمین را ( به هموار نمودن سطح و ایجاد حرکت وضعی و انتقالی در آن ) برای شما رام نمود ، پس بر دوش های آن راه روید ( و همه جای جسم کروی دوش آن است ) و از روزی او بخورید ، و ( بدانید که فرمان ) برانگیختن به دست او و حضور برانگیخته ها به سوی اوست.

### تفسیر المیزان - خلاصه

(هو الذي جعل لكم الارض ذلولا فامشوا في مناكبها و كلوا من رزقه واليه الشور):(اوست آنکه زمین را برای شما رام کرده ، پس در اقطار آن آمد و رفت کنید و از رزق آن بخورید و بدانید که

زنده شدن مجدد شما بسوی اوست) می فرماید: خدای تعالی آن کسی است که زمین را منقاد و رام شما کرد، تا بتوانید برپشت آن قرار بگیرید و از یک قسمت آن به قسمت دیگر آن بروید و از رزقش که او برای شما مقدر فرموده بخورید و به انواع مختلف در زمین تصرف کنید و اوست که نهایت و زندگی مجدد در سرای دیگر بسوی اوست ، در تعبیر(ذلول) و (مناكب) اشارتی وجود دارد که زمین نیز یکی از سیارات است .

**واز فرصت های مادی برای ایجاد اشتغال و تولید بهره کسبید تا به بهشت برسید.**

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ  
أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا  
يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ۷۷

سوره : قصص      جزء : بیستم      حزب : ۷۹

#### آیت الله مشکینی

و در آنچه خداوند به تو داده خانه آخرت را بطلب ، و سهم خود را از ( عمر و مال ) دنیا فراموش مکن ( و تحصیل آخرت کن ) و ( به دیگران ) نیکی کن همان گونه که خدا به تو نیکی کرده ، و در روی زمین در جستجوی فساد مباش ، زیرا خداوند فساد انگیزان را دوست ندارد.

(وَابْتِغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ): (و در آنچه خدا به تو داده ، آخرت را بجوی و بهره ات از دنیا را هم فراموش مکن و همانطور که خدا به تو احسان کرده تو نیز احسان کن و در طلب فساد انگیزی در زمین نباش همانا که خدا فساد کاران را دوست نمی دارد) در ادامه مردم قومی خطاب به او می گویند: در آنچه از مال دنیا که خدا به تو ارزانی نموده ، در طلب آخرت باش و بوسیله انفاق آن مال در راه خدا و صرف کردن آن در راه رضای او، آخرت خود را آباد کن و آن مقدار رزقی را که خدا برایت مقدر کرده ترک مکن و آن را بعد از خودت بر جای مگذار، بلکه در آن برای آخرت عمل کن ، چون حقیقت بهره و نصیب هر کس از دنیا همان مقدار است که برای آخرت انجام داده باشد و آنچه برای او باقی می ماند، همان عمل است . و زیادی مال خود را از باب احسان به دیگران انفاق کن ، همانطور که خدا از باب احسان به تو انفاق کرده و روزی فراوان داده ، بدون اینکه تو مستحق آن باشی و بااستعانت از آنچه خدا از مال و جاه و حشمت به تو بخشیده ، در طلب فساد انگیزی و مصرف آنها در غیر رضای خدا مباش چون خدا مفسدان را دوست نمی دارد و بنای خلقت را بر اساس صلاح و اصلاح نهاده است .

#### تکنیک های قرآنی برای اصلاح سبک زندگی

یکی از آیاتی که امروز مورد بررسی قرار می دهیم آیه ۷۷ از سوره مبارکه قصص است تا با چهار تکنیک موفقیت و به عبارتی دیگر سبک زندگی در این آیه آشنا شویم :

وَابْتِغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ  
وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن، و همچنانکه خدا به

تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد. (القصص : ۷۷)

تکنیک اول : باید به فکر آینده باشیم (وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ)

آیات الهی همه انسان ها را توصیه می کنند تا علاوه بر اینکه از زندگی در حال نهایت استفاده را می برند ، به فکر آینده خود نیز باشند و توشه ای مناسب برای آینده مهیا کنند. این آینده نگری هم می تواند نسبت به سرای آخرت باشد که این قسمت از آیه به آن اشاره دارد و هم میتواند نسبت به دنیایی که در آن زندگی می کنیم باشد بدین صورت که ما از هم اکنون برای زندگی خود برنامه ریزی کنیم و اهدافی را که قرار است به آنها برسیم تعیین کنیم و در مرحله بعد برای رسیدن به آن اهداف نهایت سعی و تلاش خود را بکار بندیم.

تکنیک دوم: زیبایی های دنیا را از دست نده (وَلَا تَسْسَ تَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا: و سهم خود را از دنیا فراموش مکن)

تا می توانیم از لذت های مشروع دنیا استفاده کنیم و خود را محروم از آنها نکنیم چرا که خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره اعراف می فرماید:

(قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ:

[ای پیامبر] بگو: «زیورهای را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟» بگو: «این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد.» این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم. (الاعراف : ۳۲)

تکنیک سوم: بیا و خوبی کن (وَ أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ: و همچنانکه خدا به تو نیکی کرده نیکی کن)

همانطور که دوست دارید در مواقع نیاز کسی به فریاد شما برسد و دست شما را بگیرد شما نیز نسبت به دیگران این گونه عمل کنید. همانطور که دوست دارید دیگران نسبت به شما رفتار خوبی داشته باشند، شما نیز نسبت به دیگران همان رفتار را از خود بروز دهید .



تکنیک چهارم: نمک بخور نمکدان نشکن ( وَ لَا تَبْغِ الْعَسَادَ فِي الْأَرْضِ: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ: و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد)  
و آخرین قانون اینکه نعمت‌ها و امکاناتی را که در اختیار دارید همیشه در راه درست و صحیح استفاده کنید که این امر سبب می‌شود تا به امکانات بیشتری در زندگی دست پیدا کنید.  
خلاصه کلام آنکه آیات الهی به بهترین نحو سبک زندگی را برای ما معرفی کرده اند سبکی که اگر آن را در زندگی خود پیاده کنیم موفقیت در دنیا و آخرت برای ما تضمین شده است.

فالب : تفسیری      موضوع اصلی : شیوه ی برداشت از قرآن

## امکانات اقتصادی و امواتان را به افراد خود کامه و نادان نسازید

وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَ ارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَ اكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

سوره : نساء      جزء : چهارم      حزب : ۱۶

### آیت الله مشکینی

و امواتان ( و اموال یتیمان ) را که خدا وسیله قوام ( زندگی ) شما قرار داده به سفیهان ( و خود یتیمان ) ندهید ، و آنها را از درآمد آن مال روزی دهید و لباس بپوشانید ، و با آنها به نحوی شایسته سخن بگویید.

### تفسیر المیزان - خلاصه

**(ولا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالِكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيَامًا):** (و اموالی را که خدا قوام زندگانی شما را به آن مقرر داشته به سفیهان مدهید) (سفه) به معنای سبک عقلی است، در آیه شریفه از زیاده روی در انفاق بر سفیهان نهی می فرماید و می گوید، تنها به اندازه احتیاجات ضروریات مال در اختیار آنها بگذارید و به قرینه، مراد از سفها فقط سفیهان از ایتمام هستند و مراد از (اموالکم) در حقیقت اموالی است که به نوعی عنایت، ارتباطی با اولیای ایتمام دارد، اما اینکه اموال ایتمام را با عنوان (اموالکم) آورده، با این عنایت بوده که عموم بشر جامعه ای واحدند که تمام اموال دنیا متعلق به این جامعه است و بر تک تک افراد این جامعه واجب است از به هدر رفتن این مال جلوگیری کنند و لذا افراد عاقل باید اموال سفیهان را اداره نموده و با تشخیص خود صرف کسب و تجارت بنمایند و به آنان در حد ضرورت رد کنند، (و ارزقوهم فیها واکسوهم و قولوا لهم قولا معروفا): (و ازمالشان نفقه و لباس به آنان بدهید و با گفتار خوش با آنان برخورد کنید) یعنی از فوائد و در آمد مال، آنها را ارتزاق نمایید، نه از اصل مال و سرمایه، وگرنه می فرمود (وارزقوهم منها) و از آیه شریفه استفاده میشود که باید اولیاء سفیه، امور او را سرپرستی کنند و اگر ولی نداشت حکومت شرعیه این امر را انجام دهد و اگر حکومت اسلامی نبود، باید مؤمنین این امر را به عهده بگیرند و از طرف دیگر مردم نباید با سفها بد رفتاری کنند، بلکه باید با نیکویی و مراقبت با آنها برخورد نموده و آنان را خشنود سازند، چون آنها هم بشر هستند، (و مانند سایر انسانها حق حیات دارند).

### معنای سفیه

کلمه سفه به معنای سبکی عقل است، (در فارسی می گویند که: عقل فلانی پارسنگ می برد)، و گویا در اصل به معنای مطلق سبکی و سستی چیزی است که نباید سست باشد و از این باب است که افسار سست را «زمام سفیه» و جامه سست بافت را «ثوب سفیه» می نامند. «ثوب سفیه» یعنی جامه ای که بافتش و پارچه اش پست است ولی بعدا بیشتر در سستی عقل استعمال شده است و معنایش بر حسب اختلاف اغراض مختلف می شود، مثلا به کسی که در

اداره امور دنیائیش قاصر و عاجز است سفیه می‌گویند و به کسی هم که در امور دنیائیش کمال هوشیاری را دارد ولی در باره امر آخرتیش کوتاهی نموده و مرتکب فسق می‌شود یعنی در این قسمت لاپابالی است، سفیه می‌گویند.

منبع : ترجمه المیزان ج : ۴، ص : ۲۷۰ قالب : لغوی موضوع اصلی : بدون موضوع

### اموال خود را به سفیه نسپارید

- ۱- سفیه، از تصرف در مال خود ممنوع است. «لاتؤتوا السفهاء»
- ۲- مالی که سبب برپا ماندن جامعه است، نباید در اختیار سفیه باشد. «اموالکم التی... قیاماً»
- ۳- حاکم شدن سفیه حتی بر اموال خود، ضربه‌ی اقتصادی به جامعه است و جامعه نسبت به اموال شخصی افراد حق دارد. «اموالکم» به جای «اموالهم»
- ۴- در برخوردها، به مصالح اقتصادی جامعه و رشد فکری افراد باید توجه کرد، نه عواطف و ترحم‌های گذرا. «لاتؤتوا السفهاء اموالکم»
- ۵ - مال و ثروت، قوام زندگی و اهرم نظام است. «جعل الله لکم قیاماً»
- ۶- سرمایه نباید راکد بماند. اموال یتیمان و سفیهان هم، باید در مدار تولید و سوددهی قرار گیرد و از درآمدش زندگی آنان بچرخد، نه از اصل مال. «وارزقوهم فیها» به جای «منها»
- ۷- به ابعاد روحی و شخصیت محرومان باید توجه کرد. «قولوا لهم قولاً معروفاً»
- ۸ - ممنوع کردن افراد از تصرف در اموالشان، واکنش دارد. چاره‌ی آن برخورد و سخن نیکوست. «قولاً معروفاً»

منبع : تفسیر نور قالب : تفسیری موضوع اصلی : احکام مالی گوینده : ایت الله قرائتی

## آزادانه تجارت کنید، اما اموال یکدیگر را به ناحق نخورید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ  
تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ  
رَحِيمًا ۲۹

سوره : نساء      جزء : پنجم      حزب : ۱۷

### آیت الله مشکینی

ای کسانی که ایمان آورده اید ، اموال یکدیگر را در میان خود به باطل ( از راه نامشروع ) مخورید مگر آنکه تجارتی از روی رضایت میان شما انجام یابد ، و خودکشی نکنید و همدیگر را نکشید ، و خود را به هلاکت گناه نیفکنید که همانا خداوند همواره به شما مهربان است

### تفسیر المیزان - خلاصه

(یا ایها الذین امنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم): ای کسانی که ایمان آورده اید ، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید ، مگر آنکه تجارتی باشد با رضایت دو طرف (منظور از (اکل) در اینجا یعنی تصرف توأم با تسلط که سلطه دیگران را از آن مال قطع سازد و آن مال را تملک نماید و (بینکم) دلالت می کند بر تجمع مال در بین مردم و متداول بودن آن در بین آنها و (باطل) عملی است که غرض صحیح و عقلایی در آن نباشد و شامل تمام معاملات فاسده ، مثل

ربا خواری و قمار و معاملات فریبی که طرف نمی داند چه می دهد و چه می ستاند، می شود، و اینها موجب انهدام و هلاکت ارکان جامعه است و(تجارت) به معنای تصرف در سرمایه به منظور تحصیل سودمی باشد و این قسم معامله که با طیب نفس ازجانب فروشنده و خریدار انجام می شود مبادله ای است که فطرت با آن موافقت دارد و به آن آرام می گیرد، **(ولاتقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً)**؛ (و یکدیگر را به قتل نرسانید که خدای شما مهربان است) یعنی با خوردن مال به باطل ، باعث کشته شدن خودتان نشوید و مؤمنان در حکم یک فرد واحد فرض شده اند که آسیب رسیدن به یک جزء از آنها مانند آنست که همه مسلمانان ضرر ببینند و همچنین شامل نهی ازقتل نفس (انتحار) و قتل غیر نیز می گردد و چون خدا نسبت به شما مهربان است ، لذا آنچه را که شما را از آن نهی می کند به جهت رحمت اوست و اینکه شما را از خودکشی و دیگرکشی نهی می نماید، به جهت آنست که شما در مهلکه فرارنگیرید.

### **نهی از خوردن اموال یکدیگر به باطل**

این آیه شبه اتصالی به آیات قبل دارد، چون مشتمل است بر نهی از خوردن مال به باطل، و آیات سابق مشتمل بود بر نهی از خوردن مهر زنان از راه سخت گیری و تعدی، پس در حقیقت در این آیه از یک مساله خصوصی به مساله ای کلی انتقال حاصل شده است.

منبع : ترجمة المیزان ج : ۴، ص : ۴۹۹      قالب : تفسیری      موضوع اصلی : باطل

## درد او سردا و بر نامه های اقتصادی، اسناد معتبر و محکم تنظیم کنید

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَكُتِبَ لَهُ وَ لِيَكْتَبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لِيُمِلِّ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا يَخْسُ مِنْهُ شَيْئاً فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمِلَّ هُوَ فَلْيَمِلْ لَهُ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رِجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَ لَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَ لَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبَهُ صَغِيراً أَوْ كَبِيراً إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَفْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَفْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَ اشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَ لَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ إِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمْكُمْ اللَّهُ وَ اللَّهُ يَكُلُّ شَيْءٌ عَليمٌ ٢٨٢

سوره : بقره      جزء : سوم      حزب : ١٠

### آیت الله مشکینی

ای کسانی که ایمان آورده اید ، هنگامی که دینی را تا مدت معینی ( به خاطر گرفتن وام یا داد و ستد ) به یکدیگر بدهکار شدید آن را بنویسید ، و باید نویسنده ای ( سند آن را ) در میان خودتان به عدالت بنگارد ، و هرگز نباید نویسنده از نوشتن آن- همان گونه که خدا به وی آموخته- امتناع ورزد ، او باید بنویسد و کسی که حق به گردن اوست ( بدهکار ) املا کند ، و از خداوند که پروردگار اوست پروا نماید و از حق چیزی را کم نگذارد ، و اگر کسی که حق به گردن اوست سفیه یا ناتوان ( سنی ) باشد یا ( به خاطر آفت زبان ) نتواند املا کند ، ولی او به عدالت املا نماید. و دو گواه از مردانتان ( مردان مسلمان ) را به شهادت بطلبید ، و اگر دو مرد نباشد ، یک مرد و دو زن را از میان گواهانی که ( از دینشان ) رضایت دارید گواه بگیرید ، تا اگر یکی از آن دو زن فراموش نمود آن دیگری او را یادآوری نماید. و چون گواهان ( برای تحمل شهادت یا اداء آن ) دعوت شوند خودداری نکنند. و از نوشتن بدهی که تا مدتی معین مهلت دارد ، کوچک باشد یا بزرگ ، ملول نشوید. این کار در نزد خدا عادلانه تر و برای گواهی استوارتر و به اینکه شک نکنید ( و نزاعی برنخیزد ) نزدیکتر است ، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که در میان خود تبادل می کنید ، که بر شما گناهی نیست که آن را بنویسید. و ( بهتر است که ) هر زمان داد و ستد کنید شاهد بگیرید ، و نباید نویسنده و گواه ( به واسطه زیاد و کم کردن ، به صاحب حق ) ضرر بزنند و نباید به نویسنده و شاهد به سبب ندادن حقتشان ضرر برسد ، و اگر چنین کنید برای شما فسق و گناه است. و از خدا پروا کنید ، و خدا به شما می آموزد و خدا به همه چیز داناست

### تفسیر المیزان - خلاصه

یا ایها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه : (ای کسانی که ایمان آورده اید هر گاه به یکدیگر وامی تا مدت معینی دادید آن را بنویسید...) (تداین) به معنای قرض دادن و قرض گرفتن است ، یعنی وقتی به یکدیگر قرض می دهید آن را روی کاغذ مکتوب نمایید تا بعدا اشکال پیش نیاید و سند در دست داشته باشید، (ولیکتب بینکم کاتب بالعدل) : (و باید نویسنده ای در بین

شما آن را به درستی و عدل بنویسد) یعنی عدالت شرط لازم در معاملات دائر در امور جامعه است تا اساس اجتماع حفظ و رعایت گردد، **(ولایاب کاتب ان یکتب کما علمه الله فلیکتب و لیمل الذی علیه الحق)**؛ (وهیچ نویسنده ای نباید از آنچه خدایش آموخته دریغ کند، پس حتما بنویسد و باید کسی که حق به عهده اوست و بدهکار می باشد، املاء کند) (املاء و املا) (هر دو به معنای آنست که کسی بگوید و دیگری بنویسد، در اینجا شخص قرض گیرنده باید املاء کند و کاتب بنویسد تا اقرار به حق داشته باشد، **(ولیتق الله ربه و لا یبخس منه شیئا)**)؛ (و باید از خدا که پروردگار اوست بترسد و چیزی از آن کم نکند) (املا) را با تقوی قرین نموده است تا به بدهکار یاد آوری کند که در روز قیامت به سوی خدا باز می گردد و باید حساب پس دهد و حقوق را کم و زیاد نکند و چیزی از مال را کم نگذارد و حیف و میل ننماید، **(فان کان الذی علیه الحق سفیها اضعیفا او لایستطیع ان یمل هو فلیمل ولیه بالعدل)**)؛ (پس اگر بدهکار سفیه و دیوانه یا ضعیف و کوچک است و یا نمی تواند املاء کند، سرپرستش باید به عدل املاء کند) یعنی در صورتی که بدهکار سفیه و صغیر و ناتوان بود باید کسی که عهده دار شئون اوست و بر او ولایت دارد به جای او املاء کند، آنهم به عدل، **(واستشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رحلین فرجل و امراتان ممن ترضون من الشهداء)**؛ (و دو مرد از آشنایان را به گواهی بگیرید و اگر دو مرد در دسترس نبود، یک مرد و دو زن از گواهانی که خود شما دیانت و تقوایشان را می پسندید شاهد بگیرید) این به جهت آنست که اگر یکی از آنها فراموش کرد، دیگری باشد که او را به یاد بیاورد، **(ان تصل احدهما فتذکر احدهما الاخری ولا یاب الشهداء اذا ما دعوا و لا تسنموا ان نکتبوه صغیرا و کبیرا الی اجله)**؛ (تا اگر یکی از دو شاهد فراموش کرد، دیگری به یادش آورد، و گواهان هر وقت به گواهی دعوت شدند نباید امتناع کنند و از نوشتن وام چه دراز مدت باشد و چه کوتاه مدت، ملول نشوید) پس کسی که شهادت را کتمان کند قلبش گنهکار است **(فمن یکتب الشهاده فانه اثم قلبه)**؛ (۸۰)، (لذا شاهدان نباید از ادای شهادت امتناع کنند و در ضمن وام به هر صورت که باشد، باید مکتوب شود تا سندیت داشته باشد، **(ذلکم اقسط عند الله واقوم للشهاده و ادنی الا ترتابوا)**)؛ (که این نزد خدا درست تر و برای گواهی دادن استوارتر و برای تردید نکردن شما مناسبتر است) چون به وسیله نوشتن خاطر شما آسوده می شود و جای تردیدی باقی نمی ماند، **(الا ان تكون تجاره حاضره تدیرونها بینکم**



**فلیس علیکم جناح الانکتبواها):** (مگر آنکه معامله ای نقدی باشد که بین خودتان انجام می دهید، پس در نوشتن آن حرجی بر شما نیست) و این امر برای تسهیل معاملات نقدی رایج بین مردم است، **(واشهدوا اذا تبايعتم ولا يضار كاتب ولا شهيد):** (وچون معامله ای کردید گواه بگیرید و نباید نویسنده و گواه زبان ببینند)، **(و ان تفعلوا فانه فسوق بكم واتقوا الله):** (و اگر زبان رساندید، ضرری به خودتان است که از اطاعت خارج شده اید و از خدا بترسید) چون ضرر زدن به گواهان مفسده ای است که به ضایع شدن حقوق می انجامد و تقوی در معاملات لازمه اش تقوی داشتن در عبادات است، **(ويعلمکم الله والله بكل شیء عليم):** (و خدا شما را تعلیم می دهد و او به همه چیز داناست) کلامی است نو و مستانف که در مقام منت نهادن ذکر شده تا به مردم بگوید در مقابل نعمت اراده شرایع و مسائل حلال و حرام شکرگزار و منت پذیر درگاه الهی باشند، اما اینکه عده ای این آیه را دال بر این مطلب گرفته اند که تقوی سبب تعلیم الهی است، صحیح نمی باشد، چون این آیه درصدد بیان این مطلب نیست، بلکه ذکر این نکته است که خداوند به بندگان احکام و شرایع را تعلیم می دهد و جهتش هم این است که خداوند به همه چیز علم دارد. لذا دین مجموعه ای از احکام الهی است که با کمالات اخلاقی آمیخته بوده واز آنها جدا نمی شود و هدف از این احکام هم حفظ حقوق تمام افراد اجتماع است، بدون آنکه با مقتضای فطری بشر در اموری که له یا بر علیه اوست منافات داشته باشد. (از نکات مورد توجه در این آیه آنست که دین مبین اسلام در زمانی که در تمام شبه جزیره عربستان تعداد افراد باسواد از انگشتان یک دست تجاوز نمی کرده بارها امر به نوشتن و املاء در هنگام قرض دادن یا قرض گرفتن و همچنین در معاملات نموده است و این خود اعجازی در حفظ حقوق افراد اجتماع میباشد) (۸۱).

#### معنای کلمه «تداین»

کلمه (تداین) که مصدر (تداینتم) است به معنای قرض دادن و قرض گرفتن است.

منبع : ترجمه المیزان، ج ۲، ص: ۶۶۷ قالب : لغوی موضوع اصلی : بدون موضوع

### حجّت امضا و نوشته بدهکار

لزوم نوشتن «دین» از (فَآكْتُوبُهُ) که فعل امر است، فهمیده می‌شود؛ ولی نوشتن اصل معامله و تداین لازم نیست، بلکه برای بیان سبب «دین» ذکر آن از جهت ارشاد بهتر است نه از نظر استحباب فقهی.

دستور نوشتن دین، دلیل آن است که نوشته و امضای مدیون، افزون بر سودمند بودن آن برای طلبکار و مدیون، در محاکم قضایی نیز معتبر و شرعاً حجت است، زیرا اگر خط و امضای بدهکار معتبر و نافذ نباشد، نوشتن دین و املاي آن لغو است، چون صحیح نیست شارع مقدّس بر ثبت دین پافشاری کند؛ ولی امضا و نوشته بدهکار را در محکمه حجت نداند، پس امضا و خط مدیون، همان‌طور که حجّت عرفی عقلایی است، حجت شرعی هم خواهد بود، چون مفید علم متعارف یا ظنّ متأخّر ۱ به علم است و شارع هم آن را امضا کرده است. خلاصه آنکه به قرینه سیاق آیه و دستور شاهد گرفتن در دین، نوشتن هم مانند شهادت، برای استفاده احتمالی در محاکم قضایی است، پس اعتبار دارد.

منبع : تفهیم تسنیم

قالب : احکام

موضوع اصلی : قرض

## ای مومنان، استقلال اقتصادی را در برنامه ها و طرح ها در نظر بگیرید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ  
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ

مُؤْمِنِينَ ٥٧

سوره : مائده

جزء : ششم

حزب : ۲۴

### آیت الله مشکینی

ای کسانی که ایمان آورده اید ، کسانی را که دین شما را به مسخره و بازی گرفته اند ، چه از آنان که پیش از شما کتاب ( آسمانی ) به آنها داده شده و چه از کفار ( دیگر ) دوستان و یاوران خود مگیرید ، و از خدا پروا کنید اگر شما مؤمن هستید.

### تفسیر المیزان - خلاصه

(یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا و لعبا من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و الکفار اولیاء و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین): (ای کسانی که ایمان آورده اید کفار و اهل کتابی را که دین شما را به مسخره گرفته و بازیچه می پندارند، به دوستی مگیرید و از خدا پروا داشته باشید، اگر مردمی با ایمان هستید)، (هزو) یعنی شوخی در غیاب کسی ، و (لعب) هر عملی است که آن را بدون اینکه غرض صحیحی داشته باشند انجام دهند. بنابراین ، اینکه کفار و اهل کتاب دین مسلمانان را مسخره می کرده اند، یعنی می خواسته اند بگویند که این دین جز بازی و اغراض باطل به کار دیگری نمی خورد و هیچ فایده عقلانی و جدی در آن نیست ، و ولایت حقیقی یعنی محبت و آمیزش با کفار که مستلزم امتزاج روحی و تصرف در شئون نفسانی و اجتماعی است و لذا می فرماید: ولایت شما یک طرفه است ، چون آنها اگر شمارادوست داشتند و به شما احترام می گذاشتند و دین و مقدسات شما را مسخره و بازیچه نمی دانستند و در آخر برای تأکید در نهی از ولایت کفار می فرماید: مؤمن و کسی که متمسک به ریسمان ایمان شده است ، دیگر معنا ندارد که راضی شود به اینکه اغیار، دین او و معتقداتش را مورد سخریه و استهزاء قرار دهند، پس اگر مؤمن هستید چاره ای جز تقوا و پرهیز از دوستی با کفار ندارید.

### معنای کلمه «هزوا»

راغب در مفردات (ص ۵۴۲) گفته است: «هزو» به معنای مزاحی است که در غیاب کسی و یا پنهان از چشم او انجام شود، و گاهی هم این کلمه اطلاق می شود به شوخی هایی که نظیر مزاح علنی است

منبع : ترجمه المیزان، ج ۶، ص: ۳۷ قالب : لغوی گوینده : علامه طباطبایی

#### شرط ایمان -

شرط ایمان، داشتن غیرت دینی و تبری از ناهلان است. «یا ایها الذین امنوا لاتتخذوا»

منبع : تفسیر نور قالب : تفسیری

## کشایش مالی در زندگی شاد و تقواست

فَإِذَا بَلَغَ أَحْلَاهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ  
 أَشْهَدُوا دَوِيَّ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَمُ يُوعِظُ بِهِ مَنْ  
 كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ  
 يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ  
 اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

سوره : طلاق جزء : بیست و هشتم حزب : ۱۱۲

#### آیت الله مشکینی

(۱) و چون ( زن های مطلقه ) به آخر مدت عدّه نزدیک شدند پس آنها را ( با رجوع به زوجیت ) به نیکی ( و عمل به وظایف همسری ) نگه دارید و با از آنها ( با تمام شدن عدّه ) به خوشی ( و اداء مهر و حقوق واجب ) جدا شوید ، و ( وقت اجراء طلاق ) دو مرد عادل را از خودتان ( از مؤمنان ) گواه بگیرید ، و ( شما ای شاهد ها ) گواهی را برای خدا اقامه کنید ( تخلّف و تغییر ندهید ) . به این

( دستورات ) کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد اندرز داده می شود ، و کسی که از خدا پروا کند برای او راه خروجی ( از مشکلات ) قرار می دهد.

(۲) و او را از راهی که گمان نمی برد روزی می دهد و کسی که بر خدا توکل نماید او برایش کافی است مسلماً خداوند رساننده فرمان و تحقق بخشنده اراده خویش است همانا خداوند برای هر چیزی ( از اجزاء عالم هستی از نظر ماهیت و کمّ و کیف و آثار وجودی و مدت بقا ) اندازه ای قرار داده است.

### تفسیر المیزان - خلاصه

(۱) (فاذا بلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف و اشهدوا ذوی عدل منکم و اقیموا الشهاده لله ذلکم یوعظ به من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر ومن یتق الله یجعل له مخرجاً): (پس وقتی که به اواخر عده نزدیک شدند، یا به خوبی و نیکی آنها را نگه دارید و یا به خوبی و خوشی از ایشان جدا شوید و دو نفر عادل از میان خود به شهادت بگیرید، که آنها برای خدا اقامه شهادت کنند، اینها اندرزهایی است که افرادی که به خدا و روز جزا ایمان دارند از آن متعظ می شوند، و کسی که از خدا بترسد، خدا برایش راه نجاتی قرار می دهد) می فرماید: وقتی زنان مطلقه به اواخر زمان عده نزدیک شدند، یا به آنها رجوع کنید و یا حسن معاشرت و رعایت حق و حقوق مجدداً زندگی را از سر بگیرید و یا به نیکی و تفاهم و با حفظ حقوق ایشان از آنها جدا شوید و دو نفر مرد عادل از میان خودتان بر طلاق شاهد بگیرید و آنها هم برای خدا شهادت بدهند که شاهد بر همه اعمال و اقوال و نیات است ، همانا این امر به تقوی و التزام به حدود و ... مطالبی است که مؤمنین به خدا و روز جزا از آنها موعظه می شوند و به جانب حق میل نموده و از باطل کنده می شوند، یعنی اعراض از این حدود یا تغییر دادن آنها خروج از ایمان محسوب می شود. در ادامه می فرماید: هر کس از خدا بترسد و به خدا و حدودش ملتزم باشد، خداوند برایش راه نجاتی برای فرار از مشکلات زندگی فراهم می کند.

(۲) (و برزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل

**الله لكل شیء قدرًا**): (و او را از جایی که احتمالش را هم نمی دهد، روزی می دهد و کسی که بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می کند، بدرستی که خدامر خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیز اندازه ای قرار داده است) در ادامه فراز آخر آیه سابق می خواهد بفرماید کسی که از خدا پروا داشته باشد و ملتزم به اوامر و نواهی پروردگار باشد خداوند برای او راه نجاتی از مشکلات حیانتش فراهم می کند، چون دین و شریعت اموری فطری بشر هستند و سعادت دنیا و آخرت او را تأمین می کنند و خدا دین، شریعت، همسر، مال و هر چیز دیگری که مایه ادامه حیات و بقاء بشر باشد، از راهی که خود او احتمالش را هم نمی دهد برایش مهیا کرده و او را روزی می بخشد، یعنی مؤمن در اثر خداترسی از زندگی و نعمات آن محروم نمی شود، بلکه رزق مادی و معنوی او، از ناحیه خدای متعال ضمانت شده و خداوند آن را تأمین می کند، در ادامه می فرماید: کسی که بر خدا توکل کند، یعنی اراده خدا سبحان را براراده خود مقدم نماید و به دین و احکام الهی عمل کند، خداوند او را کفیل خواهد بود و وی را کفایت خواهد کرد، چون خداوند مسبب الاسباب است و همه اسباب به او منتهی می شود، به همین دلیل هم امر خود را به انجام می رساند و هر چه اراده کند محقق می شود، همچنانکه فرمود، (انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون (۹۰) همانا امر او چنان است که وقتی اراده چیزی را کند، می گوید: باش، پس موجود می شود) و خداوند برای هر چیز قدر و حد و حدودی قرار داده، یعنی هیچ چیز نیست مگر آنکه اندازه ای معین و حدی محدود دارد، اما خدا سبحان یگانه وجودیست که به هیچ حدی محدود نمی شود و هیچ چیز بر او احاطه نمی یابد و او خود محیط بر همه چیز است.

#### **مراد از «بلوغ أجل زنان» چیست؟**

مراد از «بلوغ أجل زنان» این است که به آخر زمان عده نزدیک و مشرف شوند، نه اینکه به کلی عده شان سر آید، چون اگر عده سر بیاید دیگر جمله «فامسکوهن» معنا نخواهد داشت، زیرا منظور از این جمله همان رجوع است که بعد از عده دیگر رجوعی نیست.

### تقوا و خروج از مشکلات

در قرآن کریم مکرر به آثار تقوا اشاره و تصریح شده است، و معمولاً آثار تقوا چیزهایی است درست عکس آنچه که ابتدائاً انسانی که بصیرتی ندارد از تقوا [می فهمد] یعنی در مورد تقوا خیال می‌کند. یکی اینکه انسان وقتی که بصیرتی نداشته باشد در ابتدا از تقوا محدودیت می‌فهمد، می‌گوید: انسان بخواهد خودش را مقید به تقوا کند، معنایش این است که خودش را در بن بست قرار بدهد، به دور خودش خطی بکشد و برای خود محدودیت قائل بشود. قرآن درست نقطه مقابل این مطلب را ذکر می‌کند (و نکته لطیف همین است) یعنی بی‌تقوایی است که انسان را در بن بست قرار می‌دهد، و تقواست که بن بست را می‌شکند. این خیلی به نظر عجیب می‌رسد. انسان می‌گوید آدمی همین قدر که متقی شد، یعنی برای خودش محدودیت قائل است.

منبع: آشنایی با قرآن جلد ۸/ متفکر شهید استاد مرتضی مطهری **فالب: تفسیری موضوع اصلی: سوره طلاق**

### الطاف ویژه که مخصوص متقین است

مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲) وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ... (۳) ... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴) ... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمُ لَهُ أَجْرًا (۵- طلاق)

هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد ... و هر که از خدا پروا کند برای او در کارش آسانی قرار می‌دهد ... و هر کس از خدا پروا کند، گناهانش را محو می‌کند و پاداش او را بزرگ می‌دارد. (۵- طلاق)

در این آیات، پنج اثر برای تقوا نامبرده شده که خداوند متعال آنها را به شکل ویژه نصیب کسی می‌کند که تقوای الهی را رعایت کند. این پیامدهای خوشایند که خداوند متعال به او عنایت می‌کند عبارتند از:

۱. برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می‌کند.

۲. از جایی که احتمال آن را هم نمی‌داد به او روزی می‌رساند.  
 ۳. اموری که به آن اشتغال دارد را برایش آسان می‌کند.  
 ۴. گناهانی که از او سر زده می‌بخشد. ۵. بیش از آنچه عمل کرده به او اجر و پاداش داده می‌دهد.

قالب : تفسیری      موضوع اصلی : تقوا- پرهیزگاری- تقوی

**هر کس امور معنوی را نادیده بگیرد بهره اش از عمر، خوردن و خریدن است.**

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
 الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ  
 مَثْوًى لَهُمْ ۚ ۱۲

سوره: محمد      جزء: بیست و ششم      حزب: ۱۰۲

**آیت الله مشکینی**

همانا خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند در بهشت ها و باغ هایی که از زیر ( ساختمان و درختان ) آنها نهرها روان است درمی آورد ، و کسانی که کفر ورزیده اند ( از لذایذ دنیا ) بهره مند می شوند و می خورند همان گونه که چهارپایان می خورند ( خوردن و تنعم را هدف اصلی زندگی می بینند ) و ( سرانجام ) آتش جایگاه آنهاست.

**تفسیر المیزان - خلاصه**

(ان الله يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار والذين كفروا



**بیتعنون و باکلون کماناکل الانعام والنار مئوی لهم** : (خداکسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح کردند به بهشتهایی وارد می کند که از زیر آن نهرها روان است و کسانی که کفر ورزیدند سرگرم عیش و نوش دنیاوند و می خورند همانطور که چهارپایان می خورند و در آخرت جایگاهشان آتش است) (در اینجا اثر ولایت خدا بر مؤمنان و نیز تأثیر عدم ولایتش برای کفار از حیث عاقبت و آخرت بیان شده و می فرماید: مؤمنان صالحی که راه رشد و هدایت را بیمایند و به وظایف انسانی خود عمل کنند، داخل در ولایت خدا هستند و به همین دلیل خدا آنان را در آخرت وارد بهشتهایی می سازد که از دامنه آن نهرها جاریست ، اما کفاری که در دنیا هیچ اعتنایی به اقامه وظایف انسانی نداشته و تنها هم و غمشان شکم و شهوت بوده و سرگرم بهره گرفتن از لذات دنیای فانی بوده اند و مانند چهارپایان زندگی کرده اند، هیچ ولیی ندارند و به همین جهت خداوند اعتنایی به امر آنها ندارد و عاقبتشان هلاکت و شقاوت است و در آتش دوزخ مستقر می شوند که چه جایگاه و محل استقرار بدیست .

### تفاوت بهره گیری دنیوی مؤمنان و کافران

درست است که هر دو گروه در دنیا زندگی می کنند و از مواهب آن بهره مند می شوند، ولی تفاوت اینجاست که مؤمنان هدفشان انجام اعمال صالح است. و کافران تمام هدفشان همین خوردن و خوابیدن و بهره بردن از لذات حیات است .

منبع : تفسیر نمونه      قالب : تفسیری      موضوع اصلی : دنیا

**قرآن میانه روی را الکومی مصرف و حامل پایداری خانواده و جامعه می داند.**

**وَالَّذِينَ إِذَا أَنْعَمْنَا لَهُمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَنْعَمُوا وَ كَانُوا بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ۝ ۶۷**

سوره : فرقان      جزء : نوزدهم      حزب : ۷۳

### آیت الله مشکینی

و آنان که چون انفاق نمایند نه اسراف و تجاوز از حد کنند ، و نه سختگیری نموده و پایین تر از حد روند ، و ( انفاقشان ) میان این دو روش ، حد وسط و عادلانه است.

### تفسیر المیزان - خلاصه

(والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلک قواما): (و کسانی که چون انفاق می کنند، نه اسراف می نمایند و نه بخل می ورزند و میان این دو معتدل هستند) (انفاق ) یعنی بخشش و صرف مال در جهت رفع حوائج خود و دیگران . (اسراف ) یعنی بیرون شدن از حد و زیادروی . و (قتن) یعنی کوتاهی و تفریط در امر انفاق و (قوام ) یعنی حد وسط و معتدل . می فرماید: بندگان خدای رحمان کسانی هستند که وقتی انفاق می کنند همیشه حد وسط را نگه می دارند و به جانب افراط یا تفریط متمایل نمی شوند. و در حدیث از رسول خدا ص نقل شده که : هر کس بدون حق و بی حساب ببخشد، اسراف کرده و هر کس بدون حق و بی دلیل بخل بورزد، اقتار و تفریط نموده است .

### سختگیری و اسراف

بدون شک اسراف یکی از مذموم ترین اعمال از دیدگاه قرآن و اسلام است و در آیات و روایات نکوهش فراوانی از آن شده اسراف یک برنامه فرعونی است (و ان فرعون لعال فی الارض و انه لمن المسرفین ) (یونس ۸۳). اسراف کنندگان اصحاب دوزخ و جهنمند (و ان المسرفین هم اصحاب النار) (عافر ۴۳).

و با توجه به آنچه امروز ثابت شده که منابع روی زمین با توجه به جمعیت انسانها آن قدر زیاد نیست که بتوان اسرافکاری کرد، و هر اسراف کاری سبب محرومیت انسانهای بی گناهی خواهد بود، بعلاوه روح اسراف معمولاً توأ م با خودخواهی و خودپسندی و بیگانگی از خلق خدا است . در عین حال بخل و سختگیری و خسیس بودن نیز به همین اندازه زشت و ناپسند و نکوهیده است ،

اصولا از نظر بینش توحیدی مالک اصلی خدا است و ما همه امانتدار او هستیم و هر گونه تصرفی بدون اجازه و رضایت او زشت و ناپسند است و می دانیم او نه اجازه اسراف می دهد و نه اجازه بخل و تنگ چشمی .

منبع : تفسیر نمونه **قالب** : اجتماعی **موضوع اصلی** : اسراف **گوینده** : آیت الله مکارم شیرازی

### چقدر از مال خود را انفاق کنیم؟

**وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْعَمُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۶۷- فرقان)**

مؤمنین که بندگان خداوند رحمانند وقتی انفاق می کنند، نه اهل زیاده روی هستند و نه بخل می ورزند؛ بلکه بین این دو راه اعتدال را بر می گیرند.

این آیه شریفه به یکی از ویژگی های مؤمنین که اعتدال و دوری از هر گونه افراط و تفریط در کارها به خصوص در مسأله انفاق است اشاره می کند.

در این فراز قرآن کریم اصل انفاق کردن را به عنوان یکی از وظایف و برنامه های قطعی مؤمنین، مسلم گرفته و تنها مقدار پرداخت آن را به شکل توصیفی بیان می کند که: مؤمنین انفاقی عادلانه و دور از هر گونه اسراف و سخت گیری دارند؛ نه آن چنان بذل و بخشش می کنند که زن و فرزندشان گرسنه بمانند و نه آن چنان سخت می گیرند که دیگران از مواهب آنها بهره نگیرند.

در یکی از روایات اسلامی تشبیه جالبی برای «اسراف» و «اقتار» که نقطه مقابل یکدیگرند و نیز حد اعتدال شده است. بر اساس آن روایت امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود و مشتی سنگریزه از زمین برداشت و محکم در دست گرفت و فرمود این همان «اقتار» و سخت گیری است؛ سپس مشتی دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه آن به روی زمین ریخت و فرمود این «اسراف» است. بار سوم مشتی دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود به گونه ای که مقداری فرو ریخت و مقداری در دستش ماند و فرمود این همان «قوام» است.

**موضوع اصلی** : انفاق

**قالب** : تفسیری

## و جامعه اسلامی را جامعه ای متعادل معرفی می کند

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ  
الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ  
مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا  
عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ  
لَرَوْفٌ رَحِيمٌ ١٤٣

سوره : بقره      جزء : دوم      حزب : ٥

### آیت الله مشکینی

و همان گونه ( که برای شما قبله مستقل تعیین کردیم ) شما را امتی میانه ( معتدل میان افراط و  
تفریط ) قرار دادیم ، تا شما ( در روز قیامت ) بر مردم گواه باشید و این پیامبر هم بر شما گواه باشد.  
و ما قبله ای را که بر آن بودی ( بیت المقدس را ) قرار نداده بودیم جز برای آنکه کسی را که پیروی  
از این پیامبر می کند از کسی که به عقب بازمی گردد ( و در قبله سابق باقی می ماند )  
بازشناسیم ( علم ازلی ما منطبق به معلوم خارجی شود ) ، هر چند که این حکم جز بر کسانی که  
خدا هدایت کرده دشوار و سنگین بود. و خداوند بر آن نیست که ایمان شما را ( پاداش اعتقاد پیشین  
شما یا عبادت های رو به قبله سابقتان را ) ضایع کند ، همانا خداوند به مردم رؤوف و مهربان است.

**(و كذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيدا):** (و ما شما را اینچنین امتی وسط قرار دادیم تا شاهدان برسایر مردم باشید و رسول بر شما شاهد باشد) پس امت محمد(ص) در حدتعادل و وسط قرار دارد و از جانب صراط مستقیم بسوی چپ و راست یا افراطو تقریب مائل نمی شود، چون مشرکین و وثنی ها که نه به معاد اعتقاد دارند و نه به خدا، بنابراین تمام هم آنها زندگی دنیوی و زر و زیور ظاهری آنست و غرق درمادیت می باشند و توجهی به فضایل معنوی و روحانی ندارند و نصاری به عکس بسوی رهبانیت میل کرده اند و کلیه کمالات مادی و جسمی را که خداوند آنها را در نشئه بشر قرار داده است رها کرده اند و اصحاب روح هستند و چون اسباب مادی را کنار گذاشته اند نتیجه را هم باطل کرده اند، چون دنیا مزرعه آخرت و سبب نیل به آنست (یهود هم که مانند مشرکین غرق در مادیت و زرپرستی می باشند)، اما امت اسلام به تحقیق بین این دو کمال و سعادت را جمع نموده اند و مادیت و معنویت را در حد اعتدال برگزیده اند، پس اسلام امتی متعادل و میانه است که هر دو طرف با آن سنجیده می شوند، لذا این امت شهید و گواه است بر سایر امم. و بر همه آنان، فرد اکمل و اتم آنها شاهد است، یعنی نبی اسلام (ص) و باینکه این معنی صحیح است اما زمانی صحیح است که امت را میزان بگیریم نه شاهد، و شهادت بر حقایق اعمال مردم در دنیا عمل می شود، مثل انقیاد و سرپیچی یا رد و قبول یا صلاح و فساد و ادای این شهادت در روز قیامت از جانب همه شاهدان، حتی اعضای بدن انسان هم خواهد بود، روزی که حضرت رسول (ص) قیام می کند و می فرماید: (یا رب ان قومی اتخذوا هذا القران مهجورا) (۶۵)، (ای پروردگار من، همانا امت من این قرآن را مهجور قرار دادند)، و این کرامت در شهادت دادن اختصاص به اولیاء و طاهرین از امت دارد (۶۶)، نه اهل فسق و عصیان از امت، پس شهادت علی رغم اینکه به طور کلی به امت اسلام نسبت داده شده، بر همه آنان حمل نمی شود کما اینکه فضیلت داشتن بنی اسرائیل بر عالمین اختصاص به همه آنان ندارد، این معنا اگر چه صحیح بنظر میرسد، اما معنای بهتر آنست که بگوئیم منظور از وسط بودن امت، قرار داشتن آن بین مردم و بین رسول است نه بین دو جانب افراط و تقریب، یعنی امت اسلام واسطه میانه رسول و مردمند و

پیامبر در قلوب مسلمانان علم کتاب و حکمت رابه ودیعه گذاشته است و اوست که در راه تطهیر و تزکیه پیش قدم بر همه امت می باشد، (وما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه): (و ما فرار ندادیم آن قبله ای را که تو بر آن بودی جز برای آنکه بدانیم چه کسی رسول را پیروی می کند و چه کسی به عقب خود بر می گردد) پس از نفوذ امر خود روی می گرداند تا آنچه مخفی است آشکار شود و سبب این تغییر و تبدیل ، تکمیل ایمان مردم و تشخیص دادن مطیعان از عاصیان و روی گردانان است ، (و ان كانت لكبيره الا على الذين هدى الله): (هر چند که این امر جز بر کسانی که خدا هدایتشان کرده بسیار دشوار است ) البته تغییر قبله امری نامأنوس و دشوار است که فقط قلبهائی آن را به آسانی پذیرا می شوند که از جانب خدا هدایت شده اند و متمسک به اوامر الهی هستند و هیچ دشواری در امر خدانمی بینند، (و ما كان الله ليضيع إيمانكم ان الله بالناس لرؤف رحيم): (و خدا هرگز ایمان شما را ضایع و باطل نمی کند، همانا خداوند نسبت به مردم بسیار مهربان و رؤف است )، یهود گفتند: اگر قبله سابق شما باطل شده ، پس نمازهای شما که تاکنون رو به بیت المقدس خوانده اید باطل است ، و اگر قبله قبلی شما حق بود پس توجه جدید شما به سوی کعبه باطل و نادرست است و نماز فعلی شما باطل است و این دلیل بر آنست که محمد(ص) از ناحیه خود حرفی زده است و وحی در این خصوص به او نرسیده ، و این روش یهود است که راه خدا را سد نمایند و هنگامی که خدا حکمی را نسخ می کند جار و جنجال و فتنه به راه بیندازند ، اما خداوند می فرماید: همه اعمال شما صحیح است و خدا نسبت به همه رأفت و مهر دارد، رأفت اختصاص به اشخاص مبتلا و بیچاره دارد، اما رحمت و مهر اعم است و شامل همه موارد می شود.

#### معنای کلمه «کذلک»

کلمه (کذلک - همچنین) در تشبیه چیزی به چیزی به کار می رود و ظاهرا در آیه شریفه می خواهد بفرماید که همانطور که به زودی قبله را برایتان برمی گردانیم تا به سوی صراط مستقیم هدایتتان کنیم، همچنین شما را امتی وسط فرار دادیم.

منبع : ترجمه المیزان، ج ۱، ص: ۴۸۱      قالب : لغوی      موضوع اصلی : بدون موضوع

**خود ارزیابی**

چند پیام از این آیه بدست می آید که خود می تواند یک خود ارزیابی باشد:

- ۱- آزمونهای الهی مشخص می کند قبله واقعی انسان کجاست؟
- ۲- کسانی که بر تربیت الهی طی طریق می کنند دستورات رسیده از این ناحیه را ولو حذف یا تغییر ۱۸۰ درجه ای هم داشته باشد با جان و دل می پذیرند .
- ۳- گاهی ما انسانها در مقام مربی یک تغییر جدی ناشی از اشتباه در برنامه های متربی خود می دهیم که به نوعی وقت و مال و .... آنها را ضایع کرده ایم که این امور از شان پروردگار خارج است. (و ما کان الله لیضیع ایمانکم )

موضوع اصلی : انسان

قالب : تفسیری

## وعدالت اجتماعی را ویژگی پیروان انبیادانسته است

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ  
النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ  
لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۲۵

حزب : ۱۰۸

جزء : بیست و هفتم

سوره : حدید

**آیت الله مشکینی**

به یقین ما فرستادگان خود را با دلایلی روشن ( از منطق و معجزه ) فرستادیم و با آنها کتاب ( آسمانی ) و وسیله سنجش ( معانی و شناسایی حق از باطل و وزن اشیاء خارجی ) فرو

فرستادیم تا مردم ( در زندگی دنیا ) به قسط و عدل برخیزند ، و آهن را ( از مرحله امکان به حیثه وجود ) فرو فرستادیم که در آن نیروی سخت ( در جنگ و دفاع ) و منافع ( دیگر ) برای مردم است و تا خداوند کسانی را که او و فرستادگانش را در نهان یاری می دهند بشناسد ( علم ازلیش بر معلوم متأخر منطبق گردد ) ، که همانا خدا نیرومند و مقتدر شکست ناپذیر است.

### تفسیر المیزان - خلاصه

**(لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه باس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغیب ان الله قوي عزيز):** (به تحقیق ما رسولان خود را همراه با معجزات روشن فرستادیم ، و همراه آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم را به عدالت وا دارند و آهن را که نیروی شدید در آنست و منافع بسیار دیگری برای مردم دارد، نازل کردیم تا با سلاحهای آهنین از عدالت دفاع کنند و تا خدا معلوم کند چه کسی خدا و فرستادگان او را نادیده ، یاری می کند، آری بدرستی خداوند قدرتمند و عزیز است) می فرماید: ما رسولان و پیامبران خود را با آیات و معجزات و حجتهای قاطع گسیل نمودیم و همراه آنها کتاب آسمانی یا وحی را نازل کردیم که صلاحیت آن را داشت که نوشته شود و بصورت کتاب در آید و آن کتب (۴۵)، عبارتند از (کتاب نوح ، کتاب ابراهیم ، تورات ، انجیل و قرآن) که این کتابها مشتمل بر معارف دینی و عقاید حقه و شرایع بوده اند، در ادامه می فرماید ما میزان را همراه ایشان نازل کردیم ، بیشتر مفسرین میزان را به معنای ترازوی معمولی دانسته اند که خداوند اراده کرده بوسیله آن مردم را به عدالت در معاملات عادت دهد، اما به نظر ما ( و حال آنکه خدا دانایتر است )، مراد از میزان ، دین است ، چون دین چیز است که عقاید و اعمال اشخاص با آن سنجیده می شود و بعضی از مفسران نیز میزان را به عقل تفسیر نموده اند. به هر جهت غرض از انزال کتاب و میزان این بوده که مردم به عدل آموخته شوند و به آن خو بگیرند، در ادامه می فرماید: ما آهن را نازل کردیم ، یعنی آن را از خزائن غیب و از مرحله عدم به ظهور رساندیم ، همچنانکه قبلا در تفسیر آیه ، (وان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم) (۴۶) هیچ چیز نیست جز آنکه خزائن آن در نزد ماست و ما آن را جز به مقدار معلوم نازل نمی کنیم ) به این مطلب اشاره کردیم . می فرماید: آهن دارای تأثیر شدید



است و در جنگ و دفاع از آن استفاده می شود و منافع فراوان دیگر در صنایع و تمام شعب زندگی بشر دارد و انزال آهن اغراض متفاوتی داشته ، من جمله اینکه خدا معلوم کند، چه کسی او و رسولانش را به غیب یعنی براساس ایمان ، یاری می کند و در راه خدا و دفاع از دین حاضر به قتال است ، تا آنها را از غیرایشان جدا سازد، بدرستی که خدا قدرتمند و غالب است و به هیچ وجه ذلت و ضعف در او راه ندارد که محتاج به یاری مردم باشد و در عین حال ذلت را بر بندگان نمی پسندد و به همین دلیل به آنها دستور جهاد را واجب نموده تا موجب تعالی مردم و جدا شدن اهل ایمان از غیر آنها شود.

**این دنیا با همه بزرگی اش ناچیز است. به آن دل خوش نکنید، به آخرت میزیند**

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
اتَّقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَمْ رَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ  
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ۚ ۳۸**

سوره : توبه      جزء : دهم      حزب : ۳۹

#### **آیت الله مشکینی**

( این آیه تا یازده آیه دیگر مربوط به غزوه تبوک و جنگ با رومیان است ) ای کسانی که ایمان آورده اید ، شما را چیست که چون به شما گفته می شود: در راه خدا ( به سوی جنگ ) حرکت کنید ، سنگینی نموده به زمین می چسبید؟! آیا به جای آخرت به زندگی دنیا خشنود شده اید؟ پس ( بدانید که ) فواید و منافع دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست.

(یا ایها الذین امنوا ما لکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّٰه اناقلتم الی الارض ارضینم بالحوه الدنیا من الاخره فما متاع الحیوه الدنیا فی الاخره الاقلیل): (ای کسانی که ایمان آورده اید، شما را چه شده که زمانی که به شما گفته می شود در راه خدا کوچ کنید به زمین سنگینی می کنید و در امر کوچ سستی می نمایید، آیا از آخرت به زندگی دنیا راضی شده اید؟ با آنکه بهره زندگی دنیا در آخرت جز اندکی نیست)، منظور از (نفر) یعنی کوچ و در اینجا سفر کردن به قصد جهاد است، و (تثاقل در زمین) یعنی گرایش و تمایل به ماندن، در اینجا یعنی اهمال کردن در امر خروج و جهاد، می فرماید: ای مؤمنان چه شده که وقتی رسول ما به شما می گوید که برای جهاد بیرون شوید، تثاقل و کندی می کنید، مثل اینکه میلی به جهاد ندارید و از زندگی جاوید آخرت به زندگی دنیا کفایت نموده اید؟ اگر چنین است که بهره های دنیوی مثل حب حیات و مال و لذت و مصالح و متاع دنیوی را بر آخرت ترجیح داده اید و جویای راحتی و استقرار در مکان خود هستید، بدانید که آخرت زندگی حقیقی و جاوید است و بهره های دنیوی در زندگی مادی دنیا نسبت به زندگی آخرت جز یک امر بسیار حقیر و اندک چیزی نیست و لذا هیچ مؤمنی از امر خروج برای جهاد سستی نمی کند جز اینکه در ایمانش سستی و ضعفی باشد، (از روایات استفاده می شود که این آیات در رابطه با جنگ تبوک نازل شده است).

#### شان نزول (نکته)

از ابن عباس و دیگران نقل شده که آیات فوق در باره جنگ تبوک نازل گردیده است، در آن هنگام که پیامبر از طائف به سوی مدینه بازگشت کرد و مردم را آماده پیکار با رومیان نمود. در روایات اسلام آمده است که پیامبر معمولاً مقاصد جنگی و هدفهای نهائی خود را قبل از شروع جنگ برای مسلمانان روشن نمی ساخت.

نظامی اسلام به دست دشمنان نیفتد ، ولی در مورد تبوک چون مسئله شکل دیگری داشت قبلا با صراحت اعلام نمود که ما به مبارزه با رومیان می‌رویم زیرا مبارزه با امپراطوری روم شرقی همانند جنگ با مشرکان مکه و یا یهود خیر کار ساده‌ای نبود ، و می‌بایست مسلمانان برای این درگیری بزرگ کاملا آماده شوند و خودسازی‌کنند.

به علاوه فاصله میان مدینه و سرزمین رومیان بسیار زیاد بود ، و از همه گذشته فصل تابستان و گرما و برداشت محصول غلات و میوه‌ها بود .

همه این امور دست به دست هم داده و رفتن به سوی میدان جنگ را فوق العاده بر مسلمانان مشکل می‌ساخت ، تا آنجا که بعضی در اجابت دعوت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تردید و دودلی نشان می‌دادند آیات فوق نازل شد و با لحنی قاطع و کوبنده به مسلمانان هشدار داد و اعلام خطر کرد و آنها را آماده این نبرد بزرگ ساخت .

منبع : تفسیرنمونه قالب : شأن نزول موضوع اصلی : مسلمانان

#### ارزش و جایگاه انسان (پیام)

- ۱- مؤمنان نیز باید گاهی مورد انتقاد و مؤاخذه قرار گیرند. «یا ایها الذین آمنوا ما لکم...»
- ۲- چابکی و آمادگی رزمی برای مسلمانان ضروری است، اما اینکه فرمانده چه کسی است، مهم نیست. جمله‌ی «إذا قیل لکم انفروا...»، فاعل مشخصی ندارد و به صورت مجهول آمده است.
- ۳- دلبستگی به دنیا و مادیات، مانع جدانشدن انسان از زمین و خاک و رسیدن به کمال و افلاک می‌شود. «انّا قلتم...» (دنیاطلب، کوتاه همت است)
- ۴- ارزش و جایگاه انسان تا حدّی است که دنیا برای او ناچیز است. «ارضیتم»
- ۵ - کسی که آخرت را برتر از دنیای اندک بداند، به جبهه‌ی جنگ رو می‌کند، نه دنیا. «الّا قلیل»

منبع : تفسیر نور قالب : تفسیری موضوع اصلی : مومنین

## دارایی و ثروت حقیقی ایمان و عمل صالح است.

وَمَا أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عَلَيْنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ  
عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي  
الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ ۳۷

سوره : سبأ      جزء : بیست و دوم      حزب : ۸۷

### آیت الله مشکینی

و اموال و فرزندان آن چیزی نیست که شما را در نزد ما مقرب گرداند ، لکن کسانی که ایمان بیاورند و عملی شایسته کنند ، آنها را در مقابل آنچه انجام داده اند پاداش دو برابر است و آنها در غرفه های بهشت آسوده خاطرنند.

### تفسیر المیزان - خلاصه

(و ما اموالکم ولا اولادکم بالتی تقریکم عندنا زلفی الا من امن وعمل صالحا فاولئک لهم جزاء الضعف بما عملوا و هم فی الغرفات امنون) : (واموال و اولاد شما چنان نیست که باعث تقرب شما نزد ما شود، مگر کسی که ایمان آورد و عمل شایسته کند، که اینگونه افراد پاداشی دو برابر آنچه می کردند داشته و درغرفه های بهشتی ایمن هستند) این آیه جواب دوم به سخن آنهاست که می فرماید، نبودن عذاب نتیجه تقرب به خداست ، نه اینکه نتیجه داشتن اموال و اولاد بیشتر باشد. چون مال و فرزند باعث تقرب به درگاه الهی نمی شود تا بواسطه آن عذابی نباشد. مگر آن کسی که ایمان آورد و با مال و فرزندان خود عمل صالح نماید یعنی مال خود را در راه رضای

خدا و ترویج دین انفاق کرده و اولاد خود را با تربیت دینی مؤدب نماید. چنین افرادی پاداشی دو چندان خواهند داشت چون هم خودشان هدایت یافتند و هم باعث هدایت دیگران شدند و خداوند حسنات آنان را به ده برابر یا بیشتر جزا می دهد. و آنها در جایگاههای بلند بهشت از عذاب ایمن هستند.

### امکانات مادی وسیله تقرب به خدا نیست -

داشتن امکانات اقتصادی و نیروی انسانی فراوان هرگز معیار ارزش معنوی انسانها در پیشگاه خدا نمی شود

منبع : تفسیر نمونه      قالب : تفسیری      موضوع اصلی : پول- مال

## ایمان و تقوا عامل آبادانی و رشد و توسعه مایه اوست

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْبُرْجِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ  
الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۹۶

سوره : اعراف      جزء : نهم      حزب : ۳۳

### آیت الله مشکینی

و اگر اهل شهرها و روستاها ایمان می آوردند و پروا پیشه می کردند مسلماً ( درهای ) برکت هایی از آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم ، و لکن ( آیات ما را ) تکذیب کردند ، پس آنها را به

سزای آنچه کسب می کردند دچار ساختیم.

### تفسیر المیزان - خلاصه

**(ولو ان اهل القرى امنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون):** (و اگر اهل آبادیها ایمان آورده و تقوی می ورزیدند، هرآینه باریهای بركات آسمان و زمین رایه رویشان می گشودیم ، اما تکذیب کردند و لذا بواسطه اعمالی که کردند آنها را مؤاخذه نمودیم)، (بركات) به معنای هر خیر کثیری است ، مثل امنیت ، آسایش ، سلامتی ، مال و اولاد...و می فرماید: اگر اهل قریه ها ایمان می آورند، یعنی عقایدشان را اصلاح می کردند و تقوی می داشتند، یعنی در رفتار اجتماعی نیز نیکو عمل می کردند، در این صورت مجرای بركات را بر آنها می گشودیم و انواع خیر را در اختیارشان قرار می دادیم ، منظور از بركات آسمان اموری از قبیل برف و باران تگرگ و...به مقدار مفید و نافع می باشد و مراد از بركات زمینی انواع میوه ها و نباتات و امنیت و آسایش است و خداوند می فرماید: این بركات در زمانی نازل می شوند که مردم ایمان و تقوی داشته باشند و از آنجا که نوع انسان ، اجتماعی و تکامل یافته است ، لذا ایمان و تقوای یک عده اندک کفایت نمی کند، چون کفر و فسق اگر جمعی و عمومی باشد، کار خود را می کند و با ایمان آن عده اندک مقابله می نماید، پس سبب فساد بر طرف نمی گردد جز آنکه آن عده اندک بیدار شده و بر علیه جماعت کفار و در جهت قطع ید آنها اقدام کنند و جمله نهایی دلالت می کند که عذابی که بر جماعات نازل شده به عنوان مجازات برای اعمال خود آنها بوده و خداوند به سبب گناهشان آنها را هلاک نموده است .

### بركات آسمان و زمین -

بعضی بركات زمین و آسمان را به نزول باران و رویدن گیاهان تفسیر کرده اند و بعضی به اجابت دعا و حل مشکلات زندگی ، ولی این احتمال نیز وجود دارد که منظور از بركات آسمانی ، بركات معنوی و منظور از بركات زمینی ، بركات مادی بوده باشد . نکته ی قابل تامل این است که ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول بركات الهی می شود بلکه باعث می گردد آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف

مورد نیاز به کار گرفته شود .

منبع : تفسیر نمونه      قالب : تفسیری      موضوع اصلی : قرآن کریم

### سلب برکات

این همه بلا یای طبیعی (از قبیل سیل و زلزله و خشکسالی) نتیجه اعمال و رفتار ما انسان ها و خود خداوند وعده داده که اگر ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهیم برکات آسمان را بر ما نازل می کند .

قالب : اخلاقی      موضوع اصلی : قحطی- خشکسالی

## نقش کاهش مفاسد اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی

وَاِی قَوْمٍ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا  
وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً اِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِيْنَ ۝۲

سوره : هود      جزء : دوازدهم      حزب : ۴۶

### آیت الله مشکینی

و ای قوم من ، از پروردگارتان آمرزش بخواهید ، سپس ، به سوی او بازگردید ، تا ابر و باران را بر شما ریزان فرستد و نیرویی بر نیروی ( جانی و مالی ) شما بیفزاید ، و مجرم و گنهگار ( از او ) روی مگردانید.

(و یا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه برسلا السماء مدرارا و یزدکم قوه الی فوتکم و لا تتولوا مجرمین): (و ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش نموده و سپس بسوی او باز گردید تا باران مفید را از آسمان پی در پی بسویتان بفرستد و نیروئی بر نیرویتان اضافه کند و مبادا با حالت جرم و عصیان روی بگردانید)، آنگاه حضرت هود(ع) از روی خیرخواهی به قوم خود می فرماید که از خداطلب آمرزش کنید تا گناهانتان را ببوشاند و با توبه بسوی او باز گردید تا ابرهای پر برکت را بسوی شما روانه کند و بارانهای پی در پی بر شما نازل نماید و گیاهان و زراعات شما سبز و خرم گردند و نیروی ایمانی بر نیروی بدنی شما افزوده گردد و هرگز از خدای یکتا اعراض نکنید و با حالت عصیان و گناه معبودهایی غیر از او اتخاذ ننمایید. این آیه دلالت می کند که اولاً: قوم هود(ع) مبتلا به خشکسالی و فحطی بوده اند، و ثانیاً: ارتباط مستقیمی بین اعمال انسانها با حوادث وجودی عالم برقرار است، یعنی اعمال صالحه باعث نزول برکات و جریان فیوضات و خیرات می گردند و اعمال ناشایست موجب نزول بلاها و بدبختی و هلاکت می شوند، همچنانکه در تفسیر آیه ۹۶ سوره اعراف نیز به همین مطلب اشاره نمودیم (۳۲).

#### جمله «استغفروا...» در معنای جمله شرطیه

جمله «یُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا» موقعیت جزاء فعل شرط سابق را دارد چون جمله سابق که می فرماید: «استغفروا...» هر چند به صورت امر است و لیکن در معنای جمله شرطیه است و می خواهد بفرماید: «ان تستغفروا...» یعنی اگر از خدای تعالی طلب مغفرت کنید و به سوی او برگردید او از آسمان برای شما رحمت فراوان می فرستد.

منبع: ترجمه المیزان: ج ۱۰، ص: ۴۴۴ قالب: قواعد عربی گوینده: علامه طباطبایی



جمله «وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» تفسیری است برای جمله «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ»

جمله «وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» به منزله تفسیر برای جمله: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ» است و چنین معنا می‌دهد که عبادت کردنتان در برابر آله‌ای که به جای خدای تعالی اتخاذ کرده‌اید جرمی است از شما، و معصیتی است که شما را مستوجب آن می‌کند که سخط الهی و عذابش بر شما نازل گردد و چون چنین است پس باید هر چه زودتر از جرمی که کرده‌اید استغفار نموده و با ایمان آوردنتان به سوی خدا برگردید تا او شما را رحم کند و ابرهای بارنده را با بارانهای مفید برایتان بفرستد و نیروی بر نیروی شما بیفزاید.

منبع: ترجمه المیزان: ج ۱۰، ص: ۴۴۵ قالب: تفسیری موضوع اصلی: مجرمین گوینده: علامه طباطبایی

## آشکار شدن گناهان در جامعه ناسامانی اقتصادی در پی دارد

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ  
بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۱۷

سوره: روم جزء: بیست و یکم حزب: ۸۲

### آیت الله مشکینی

فساد و تباهی ( از زلزله و طوفان و قحطی و بیماری و جنگ و قتل و ناامنی ) در خشکی و دریا آشکار شد به واسطه آنچه دست های مردم ( از گناهان بزرگ ) فراهم آورده ، تا ( خداوند کیفر دنیوی ) برخی از آنچه را که انجام داده اند به آنها بچشاند شاید بازگردند.

(ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون): (فساد در دریا و خشکی ظاهر شد به جهت کارهایی که مردم کردند، تا به این وسیله بعضی از آثار اعمال آنها را به ایشان بچشانند تا شاید باز گردند) مراد از (فساد در زمین) مصایب و بلاهای عمومی مانند زلزله، خشکسالی، قحطی، امراض مسری، جنگها، سلب امنیت و همه بلاهایی است که نظام جاری در عالم را بر هم می زند. می فرماید نزول این بلاها در اثر اعمال مردم و به خاطر شرکی است که می ورزند و گناهانی است که می کنند و خداوند این بلاها را ظاهر نمود تا شاید عاقبت و وبال بخشی از اعمالشان را به آنها بچشانند (در حالیکه از بسیاری از اعمال آنها نیز چشم پوشی و عفو نموده) تا بلکه آنها از شرک و معصیت دست کشیده و به سوی توحید و اطاعت برگردند.

### بطه ((گناه)) و ((فساد))! -

بدون شک هر کار خلافی در وضع ((جامعه))، و از طریق آن در وضع ((افراد)) اثر می گذارد، و موجب نوعی فساد در سازمان اجتماعی می شود، گناه و کار خلاف و قانونشکنی همانند یک غذای ناسالم و مسموم است که در سازمان بدن انسان چه بخواهیم و چه نخواهیم تاثیر نامطلوب خواهد گذارد، و انسان گرفتار واکنش طبیعی آن می شود.

((دروغ)) سلب اعتماد می کند.

((خیانت در امانت)) روابط اجتماعی را بر هم می زند.

((ظلم)) همیشه منشا ظلم دیگری است.

((سوء استفاده از آزادی)) به دیکتاتوری می انجامد، و دیکتاتوری به انفجار.

((ترک حقوق محرومان)) کینه و عداوت می آفریند، و تراکم کینه ها و عداوتها اساس جامعه را متزلزل می سازد.

خلاصه اینکه: هر کار نادرست چه در مقیاس محدود و چه گسترده، عکس العمل نامطلوبی دارد و

یکی از تفسیرهای آیه طهر الفساد فی البحر و البر بما کسبت ایدی الناس همین است (این رابطه طبیعی ((گناه)) و ((فساد)) است).

ولی از روایات اسلامی استفاده می شود که بسیاری از گناهان علاوه بر اینها، یک سلسله آثار شوم با خود همراه می آورند که ارتباط و پیوندشان با آن آثار لااقل از نظر طبیعی ناشناخته است. مثلا در روایات آمده است ((قطع رحم)) عمر را کوتاه، و خوردن مال حرام قلب را تاریک، و شیوع زنا سبب فناى انسانها می شود و روزی را کم می کند و...

حتی در روایتی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: من يموت بالذنوب اکثر ممن يموت بالاجال: ((آنها که بوسیله گناه از دنیا می روند بیش از کسانی هستند که به مرگ طبیعی می میرند)).

نظیر همین معنی به تعبیر دیگری در قرآن مجید آمده است آنجا که می فرماید: و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض و لكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون: ((اگر آنها که در شهرها و آبادیها زندگی می کنند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند، بركات آسمانها و زمین را به روی آنها می گشائیم، ولی آیات ما را تکذیب کردند، ما نیز آنها را به مجازات اعمالشان گرفتیم))! (اعراف - ۹۶).

به این ترتیب ((فساد)) در آیه مورد بحث، اعم از مفاسد اجتماعی و بلاها و سلب بركات است. نکته قابل توجه دیگر اینکه: از آیه فوق ضمنا استفاده می شود که یکی از فلسفه های آفات و بلاها، تاثیر تربیتی آنها روی انسانها است، آنها باید واکنش اعمال خود را ببینند، تا از خواب غفلت بیدار شوند و به سوی پاکی و تقوی باز گردند.

نمی گوئیم همه شرور و آفات از این قبیل است ولی می گوئیم حداقل بخشی از آنها دارای چنین فلسفه ای است، و البته فلسفه های دیگری نیز دارد.

منبع: تفسیر نمونه    قالب: اخلاقی    موضوع اصلی: فساد    گوینده: آیت الله مکارم شیرازی

## روزی همه جنبندگان تضمین شده است باید آن را جست.

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ  
مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ٦

سوره: هود جزء: دوازدهم حزب: ٤٥

### آیت الله مشکینی

و هیچ زنده متحرکی در این زمین ( از حیوان و جن و انس ) نیست مگر آنکه روزی او بر عهده خداست ، و او قرارگاه اصلی آنها و جایگاه موقت آنها را می داند ( قرارگاه آنها را در صلب پدر و رحم مادر ، یا ) و او محل استقرارشان را ( در حال حیات ) و مقَرَّ تودیعشان را ( پس از مرگ ) می داند ، همه در کتابی روشن ( لوح محفوظ روشن در انظار مقربان ملأ اعلی ) ثبت است.

### تفسیر المیزان - خلاصه

( و ما من دابه فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعهاکل فی کتاب مبین ):(و هیچ جنبنده ای در زمین نیست جز آنکه رزقش به عهده خداست و خداوند محل استقرار و انتقال و اعاده اش را می داند، همه این موارد در کتابی آشکار موجود است )، در این آیه وسعت و شمول علم الهی توضیح داده می شود و می فرماید همه موجودات متحرک و جاندار رزقشان به عهده خدای متعال است و لذا هرگز هیچ جاندار بدون رزق نمی ماند و خدای متعال نسبت به قرارگاه و محل استقرار آنها و نیز محل نقل و انتقال و بازگشتشان آگاهی دارد، مراد از (مستقر) یعنی جایگاه معین مانند آب برای ماهی و مراد از (مستودع ) یعنی جایگاه موقت مانند مرغان هوا یا

مسافران دور از وطن و یا جنین در رحم مادر، به هر جهت خداوند به کلیه احوال جنبندگان داناست و همه این موارد در کتاب مبین علم الهی محاسبه و اندازه گیری شده است و لذا رزق هیچ مرزوقی بدون علم و اطلاع روزی رسان به او نخواهد رسید و ما در تفسیر آیه ۵۹ سوره انعام معنای کتاب مبین را توضیح دادیم .

### مراد از کلمه «دَائِبَةٌ»

کلمه «دایه» بطوری که در کتب لغت آمده به معنای هر موجودی است که حرکتی هر چند اندک داشته باشد، و بیشتر در نوع خاصی از جنبندگان استعمال می‌شود، اما قرینه مقام آیه اقتضاء دارد که عموم منظور باشد، برای اینکه زمینه کلام بیان وسعت علم خدای تعالی است به همین جهت است که به دنبال جمله «أَلَا حِينَ يَسْتَفْشُونَ نِيَابَتَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (هود/۵) آمده است.

منبع : ترجمه المیزان: ج ۱۰، ص: ۲۲۰      قالب : لغوی      موضوع اصلی : بدون موضوع

### رزق و روزی

۱ - موجود زنده حق تغذیه دارد و خداوند این حق را بر خود واجب کرده است . ( وَ مَا مِنْ دَائِبَةٍ فِي

الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا )

۲ - رزق ما بدست خداست در برابر دیگران گردن خم نکنیم . ( مَا مِنْ دَائِبَةٍ ... إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا )

۳ - درباره ی روزی ، نه حرص بورزیم و نه بترسیم . ( وَ مَا مِنْ دَائِبَةٍ ... إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا )

۴ - خداوند هم منابع رزق را در اختیار ما قرار داده و هم عقل و وسیله ی استخراج ، اکتشاف و تحصیل آن را به عطا کرده است . ( إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا )

۵ - هر کجا برویم ، زیر نظر خدا هستیم ، چه در سفر و چه در حضر . ( يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ

مُسْتَوْدَعَهَا )

۶ - همه اطلاعات و آمار این جهان به طور دقیق در مرکزی ثبت و ضبط می شود . ( كُلُّ فِي كِتَابٍ

مُبِينٍ )

## پس روزی را نقطه از او نخواهید

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ  
مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ  
وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۱۷

سوره : عنکبوت      جزء : بیستم      حزب : ۸۰

### آیت الله مشکینی

جز این نیست که شما غیر از خدا بت هایی ( بی اثر ) را می پرستید ، و ( در نامگذاری آنها به اله و شفیع و مقرب ) دروغی می بافید بی شک کسانی که به جای خدا می پرستید مالک هیچ نوع روزی برای شما نیستند ، پس روزی را فقط از نزد خدا بطلبید و او را سپاس گزارید ، که همه به سوی او بازگردانده می شوید.

(انما تعبدون من دون الله اوثانا وتخلقون افكا ان الذين تعبدون من دون الله لايملكون لكم رزقا فابتغوا عند الله الرزق واعبدوه واشكروا له اليه ترجعون): (شما به جای خدا بتهایی را می پرستید و تهمت‌ها می زنید با اینکه آنهایی که به غیر خدا پرستش‌شان می کنید مالک هیچ رزقی برای شما نیستند، پس رزق را از نزد خدا بطلبید و او را عبادت نموده و شکر گزارید که به سوی او باز می گردید) می فرماید شما به غیر خدا نمی پرستید به جز بتهایی را که هیچ حقیقتی ندارند و از خود دروغی ساخته اید، این بتها که شما آنها را عبادت می کنید تا شاید از شما راضی شوند و بصورت مجسمه مقربین درگاه خدا شامل ملائکه یا جن می باشند، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند و آن کس که مالک رزق شماست خدای یکتاست که شما را آفریده و روزی شما را مقدر نموده، پس رزق را از او بخواهید چون او مالک رزق است و او را عبادت کنید و از عبادت بتها منصرف شوید و خدا را شکر گزارید که به شما روزی داده و به انواع نعمتها بهره مندتان نموده، چون شکر منعم در برابر انعام او واجب است. و از آنجا که در نهایت بسوی خدای واحد رجوع می کنید و او از شما محاسبه می کند پس واجب است که او را عبادت کنید و شکر او را به جا آورید، نه آنکه فقط برای درخواست رزق او را بخوانید و شکر گزارید چون رزق اگر چه که بدست خداست اما اسبابی طبیعی دارد و خداوند در دنیا کافران را به جهت کفرشان از رزق محروم نمی کند پس تنها ملاک عبادت مسأله رجوع به سوی خدا سبحان و سعادت حیات اخروی است

#### معنای کلمه «اوثان»

کلمه «اوثان» جمع وثن- به فتحه واو، و ثاء- است، که به معنای بت است.

منبع: ترجمه المیزان: ج ۱۶، ص: ۱۷۱ قالب: لغوی موضوع اصلی: بت و بت پرستی

گوینده: علامه طباطبایی

فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرَّزْقَ (العنكبوت/۱۷)

فقط روزی را در نزد خدا (از جانب او) بجوئید.

پرستش شما نسبت به این بتها یا به خاطر منافع مادی است و یا سرنوشتتان در جهان دیگر، و هر کدام باشد باطل است

چرا که ((کسانی را که غیر از خدا می پرستید، قادر نیستند به شما رزق و روزی دهند)) **(ان الذین تعبدون من دون الله لا یملکون لکم رزقا).**

شما خود قبول دارید که بتها خالق نیستند، بلکه خالق خدا است بنابراین روزی دهنده نیز او است ((سپس روزی را نزد خدا جستجو کنید)) **(فابتغوا عند الله الرزق).**

و چون روزی دهنده او است ((او را عبادت کنید و شکر او را بجا آورید)) **(و اعبدوه و اشکروا له).** به تعبیر دیگر یکی از انگیزه های عبادت، حس شکرگزاری است در مقابل منعم حقیقی، شما می دانید منعم حقیقی خدا است، پس شکر و عبادت نیز مخصوص ذات پاک خدا است.

و اگر زندگی سرای دیگر را می طلبید بدانید ((بازگشت همه شما به سوی او است)) و نه به سوی بتها! **(الیه ترجعون).**

منبع: تفسیر نمونه      قالب: تفسیری      موضوع اصلی: رزق الهی

## و بدانید که شکر نعمت روزی کشاورز و عامل رشد اقتصادی است

**وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ**

سوره: ابراهیم      جزء: سیزدهم      حزب: ۵۱



### آیت الله مشکینی

و ( به خاطر آرید ) زمانی که پروردگارتان اعلام کرد که اگر شکر گزارید حتما بر ( نعمت های ) شما می افزایم ، و اگر کافر شدید یا ناسپاسی کردید البته عذاب من بسیار سخت است.

### تفسیر المیزان - خلاصه

( و اذ تاذن ربکم لنن شکرتکم لازیدنکم و لنن کفرتم ان عذابی لشدید ): (و آن زمانی که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزارید، هر آینه افزونتر به شما می دهم و اگر کفران نمایید، عذاب من بسیار شدید است )، آیه شریفه مطلق است و خطاب با پیامبر اسلام (ص) می باشد که می فرماید: به یاد آر زمانی را که پروردگارت اعلان نمود این مطلب را که هر آینه شکر نعمت باعث افزونی نعمت می گردد و کفران آن باعث عذاب شدید است ، و باید دانست که حقیقت شکر بکار بردن نعمت در جهتی است که منعم اراده کرده و این امر موجب ظهور احسان منعم می گردد و شکر نعمت بازگشتش به ایمان و تقواست ، یعنی فردمؤمن و متقی سپاسگزار نعمت حق خواهد بود و چنین شکر باعث مزیدنعمت می گردد، و کفران نعمت از لوازم کفر باطنی است و شخص کافر باید منتظر عذاب الهی باشد و خدای سبحان به روش کریمان در مورد انعام و مزید آن بطور صریح و با تأکید وعده داده ، اما در خصوص تهدید کفران کنندگان به صراحت نفرموده که شما را عذاب می کنم ، بلکه بطور کنایه و تعریض اشاره نموده که عذاب من سخت است و این مطلب مختص آخرت نیست ، بلکه وعده و وعید آن شامل دنیا نیز می گردد

### شکر مایه فزونی نعمت و کفر موجب فنا است

لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ (ابراهیم/۷)

اگر شکرگزار نعمتها بودید (نعمتهایم را) افزون خواهم نمود

- شکر مایه فزونی نعمت و کفر موجب فنا است

بدون شک خداوند در برابر نعمتهائی که به ما می بخشد نیازی به شکر ما ندارد، و اگر دستور به

شکرگزاری داده آن هم موجب نعمت دیگری بر ما و یک مکتب عالی تربیتی است .  
مهم این است که ببینیم حقیقت شکر چیست ؟ تا روشن شود که رابطه آن با افزونی نعمت از کجاست و چگونه می تواند خود یک عامل تربیت بوده باشد.

حقیقت شکر تنها تشکر زبانی یا گفتن الحمد لله و مانند آن نیست ، بلکه شکر دارای سه مرحله است نخستین مرحله آن است که به دقت ببینیم که بخشنده نعمت کیست ؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است ، و از آن که بگذریم مرحله زبان فرا می رسد، ولی از آن بالاتر مرحله عمل است ، شکر عملی آن است که درست ببینیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است آنرا در مورد خودش صرف کنیم که اگر نکنیم کفران نعمت کرده ایم ، همانگونه که بزرگان فرموده اند: **الشکر صرف العبد جميع ما انعمه الله تعالى فيما خلق لاجله .**

راستی چرا خدا به ما چشم داد؟ و چرا نعمت شنوائی و گویائی بخشید؟ آیا جز این بوده که عظمت او را در این جهان ببینیم ، راه زندگی را بشناسیم و با این وسائل در مسیر تکامل گام برداریم ؟ حق را درک کنیم و از آن دفاع نمائیم و با باطل بجنگیم ، اگر این نعمتهای بزرگ خدا را در این مسیرها مصرف کردیم ، شکر عملی او است ، و اگر وسیله ای شد برای طغیان و خودپرستی و غرور و غفلت و بیگانگی و دوری از خدا این عین کفران است !

امام صادق (علیهالسلام) می فرماید: **ادنى الشکر رؤیة النعمة من الله من غير علة يتعلق القلب بها دون الله ، و الرضا بما اعطاه ، و ان لا تعصيه بنعمة و تخالفه بشئ ء من امره و نهيه بسبب من نعمته :** ((کمترین شکر این است که نعمت را از خدا بدانى ، بى آنکه قلب تو مشغول به آن نعمت شود، و خدا را فراموش کنى ، و همچنین راضى بودن به نعمت او و اینکه نعمت خدا را وسیله عصیان او قرار ندهى ، و اوامر و نواهى او را با استفاده از نعمتهایش زیر پا نگذارى)).  
و از اینجا روشن می شود که شکر قدرت و علم و دانش و نیروی فکر و اندیشه و نفوذ اجتماعى و مال و ثروت و سلامت و تندرستى هر کدام از چه راهى است ؟ و کفران آنها چگونه است ؟  
حدیثی که از امام صادق (علیهالسلام) در تفسیر نور الثقلین نقل شده نیز دلیل روشنى بر این تفسیر است ، آنجا که می فرماید: **((شکر النعمة اجتناب المحارم شکر نعمت آنست که از**

گناهان پرهیز شود)).

و نیز از اینجا رابطه میان شکر و فزونی نعمت روشن می شود، چرا که هر گاه انسانها نعمتهای خدا را درست در همان هدفهای واقعی نعمت صرف کردند، عملاً ثابت کرده اند که شایسته و لایقند و این لیاقت و شایستگی سبب فیض بیشتر و موهبت افزونتر می گردد. اصولاً ما دو گونه شکر داریم ، ((شکر تکوینی )) و ((شکر تشریحی )) . ((شکر تکوینی )) آن است که یک موجود از مواهبی که در اختیار دارد، برای نمو و رشدش استفاده کند. فی المثل باغبان می بیند در فلان قسمت باغ درختان به خوبی رشد و نمو می کنند و هر قدر از آنها پذیرائی بیشتر می کند شکوفاتر می شوند، همین امر سبب می شود که باغبان همت بیشتری به تربیت آن بخش از باغ درختان بگمارد و مراقبت از آنها را به کارکنان خویش توصیه کند چرا که آن درختان به زینحال فریاد میزنند ای باغبان ! ما لا یقیم ، ما شایسته ایم ، نعمت را بر ما افزون کن ، و او هم به این ندا پاسخ مثبت می دهد.

مقدمات نعمتهای خداوند به شما می رسد سعی کنید با شکرگزاری ، بقیه را به سوی خود جلب کنید، نه آنکه با کمی شکرگزاری آن را از خود برانید!!

این موضوع نیز قابل توجه است که تنها تشکر و سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمتهای کافی نیست ، بلکه باید از کسانی که وسیله آن موهبت بوده اند نیز تشکر و سپاسگزاری نمود و حق زحمات آنها را از این طریق ادا کرد، و آنها را از این راه به خدمات بیشتر تشویق نمود، در حدیثی از امام علی بن الحسین (علیهماالسلام ) می خوانیم که فرمود: روز قیامت که می شود خداوند به بعضی از بندگانش می فرماید: آیا فلان شخص را شکرگزاری کردی ؟ عرض می کند: پروردگارا من شکر تو را بجا آوردم ، می فرماید: چون شکر او را بجا نیاوردی شکر مرا هم ادا نکردی ! سپس امام فرمود: اشکرکم لله اشکرکم للناس : ((شکرگزارترین شما برای خدا آنها هستند که از همه بیشتر شکر مردم را بجا می آورند)).

افزایش نعمتهای خداوند که به شکرگزاران وعده داده شده ، تنها به این نیست که نعمتهای مادی تازه‌ای به آنها بیخشد، بلکه نفس شکرگزاری که تواءم با توجه مخصوص به خدا و عشق تازه‌ای نسبت به ساحت مقدس او است خود یک نعمت بزرگ روحانی است که در تربیت نفوس انسانها، و

دعوت آنان به اطاعت فرمانهای الهی ، فوق العاده مؤثر است ، بلکه شکر ذاتا راهی است برای شناخت هر چه بیشتر خداوند، و به همین دلیل علمای عقائد در علم کلام برای اثبات ((وجوب معرفه الله )) (شناخت خدا) از طریق وجوب شکر منعم (نعمت بخش ) وارد شده اند.

احیای روح شکرگزاری در جامعه و ارج نهادن و تقدیر و سپاسگذار آنها که با علم و دانش خود و یا با فداکاری و شهادت ، یا با سایر مجاهدات در طریق پیشبرد اهداف اجتماعی خدمت کرده اند یک عامل مهم حرکت و شکوفائی و پویائی جامعه است . در اجتماعی که روح تشکر و قدردانی مرده کمتر کسی علاقه و دلگرمی به خدمت پیدا می کند، و به عکس آنها که بیشتر قدردانی از زحمات و خدمات اشخاص می کنند، ملتئائی بانشاطتر و پیشروترند.

توجه به همین حقیقت سبب شده است که در عصر ما به عنوان قدردانی از زحمات بزرگان گذشته در صدمین سال ، هزارمین سال ، زاد روز، و در هر فرصت مناسب دیگر، مراسمی برای بزرگداشت آنها بگیرند و ضمن سپاسگزاری از خدماتشان مردم را به حرکت و تلاش بیشتر دعوت کنند. فی المثل در انقلاب اسلامی کشور ما که پایان یک دوران تاریک دو هزار و پانصد ساله و آغاز دوران جدیدی بود، وقتی میبینیم همه سال و هر ماه بلکه هر روز، خاطره شهیدان انقلاب زنده می شود و بر آنها درود میفرستند و به تمام کسانی که به آنها منسوبند احترام میگذارند و به خدماتشان ارج مینهند، این خود سبب می شود که عشق و علاقه به فداکاری در دیگران پرورش یابد و سطح فداکاری مردم بالاتر رود، و به تعبیر قرآن شکر این نعمت باعث فزونی آن خواهد شد، و از خون یک شهید هزاران مجاهد میروید و مصداق زنده لازیدنکم می شود!

موضوع اصلی : شکر- سپاس

قالب : تفسیری

منبع : تفسیرنمونه

## و کفران نعمت های خدا فقر و ناامنی دینی دارد

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ  
مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا  
كَانُوا يَصْنَعُونَ ۱۱۲

سوره : نحل      جزء : چهاردهم      حزب : ۵۶

### آیت الله مشکینی

و خداوند ( برای عاقبت طغیان و کفران نعمت ) مثلی زده: مجتمعی را که آسوده و آرام ( از دشمن و حوادث ) بودند ، روزیشان فراوان از همه جا می رسید ، پس نعمت های خدا را ناسپاسی کردند ، خداوند هم به سزای آنچه می کردند لباس گرسنگی و ترس را به آنها پوشانید و طعم آن را به آنها چشانید

### تفسیر المیزان - خلاصه

(و ضرب الله مثلا قرية كانت امينة مطمئنة ياتيها رزقها رغدا من كل مكان فكفرت بانعم الله فاداقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون): (و خداوند مثال می زند، دهکده ای که آرام و امن بود و روزی آن از هر طرف به فراوانی می رسید، آنگاه نعمتهای خدا را کفران نمودند، لذا خداوند به سزای اعمالی که می کردند مزه و پوشش گرسنگی و ترس را به آنها چشانید)، خداوند دهکده ای را مثال می زند که از هجوم اشرار و غارتگران و خونریزیها و اسیررفتن زن و بچه

هایشان و چپاول شدن اموالشان ، از هجوم حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله ایمن شده و دارای آرامش بوده اند و در نتیجه این آرامش واطمینان ، رزق آن قریه فراوان و ارزان می گردد و روزیها از همه اطراف بدانجا حمل می شود، لذا با این سه صفت آنها دارای تمام نعمتهای مادی و صوری بوده اند. آنگاه چنانچه در آیه بعد شرح داده می شود خداوند نعمت معنوی را هم برنعمتهای آنها می افزاید و پیامبری را در آنها مبعوث می نماید و آن پیامبر آنها را به آنچه باعث خیر و صلاح آنها در دنیا و آخرت است ، دعوت می کند، اما آنها به این نعمتهای خدا کفر می ورزند و خداوند به جهت این ناسپاسی آنها کمی ازطعم عذاب خود را به آنها می چشاند و ترس و گرسنگی ، آنها را چون لباسی احاطه می کند و خدایی که قدرت تام داشته و در قهر و غضب نامتناهی است قادر است که عذابی افزون بر ترس یا گرسنگی را به آنها برساند و آنان را به سبب ناسپاسیشان پست و خوار سازد، لذا همواره سنت مجازات الهی در برابر کفران نعمت پابرجاست .

## قرآن طرفدار رفاه عمومی و مخالف انباشت ثروت و نیز ثروت های بادآورده

است.

ما أَفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَالرَّسُولِ وَ لِلَّذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝

سوره: حشر جزء : بیست و هشتم حزب : ۱۰۹

### آیت الله مشکینی

آنچه خداوند ( به عنوان فیء ) از ( اموال ) اهل شهر و روستاها بر فرستاده خویش بازگردانید از آن خدا و رسولش و خویشان او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان ( راه هر هدف دینی و دنیوی لازم برای اسلام و مسلمین که راهیانش نیاز به آن دارند ) است ، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده ما به شما داد ( از احکام و معارف و اموال ) بگیرید و از آنچه شما را منع و نهی کرد باز ایستید ، و از خدا پروا نمایید ، که خداوند سخت کیفر است.

### تفسیر المیزان - خلاصه

( ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول و لذی القربى و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لا یكون دوله بین الاغنیاء منکم و ما اتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتھوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب ):(آنچه خدا از اموال اهل آبادیها به رسول خود برگردانید، از آن خدا و رسول او و خویشان رسول و فقیران و مسکینان و در راه ماندگان است ، تا اموال بین توانگران دست به دست بچرخد و هر چه رسول خدا به شما داد بگیرید و هر چه شما را از آن نهی کرد، ترک کنید و از خدا بترسید، بدرستی که خدا شدید العقاب است )در اینجا حکم کلی فیء و غنایمی را که بدون جنگ به دست مسلمانان می افتد، بیان می کند، و می فرماید: حکمی که در باره غنیمت بنی نضیر گفتیم به این مورد اختصاص ندارد، بلکه هر غنیمتی که بدون جنگ به دست رسول خدا ص برسد، مخصوص خدا و رسول است ، یعنی بخشی از آن اختصاصا متعلق به رسول خدا است و بخشی دیگر باید زیر نظر رسول خدا ص در راه رضای خدا مصرف شود و اینکه بعضی (۵۹) گفته اند، ذکرنام خدا در میان صاحبان سهم فقط به صرف تبرک و تیمن بوده صحیح نیست و نباید مورد توجه قرار بگیرد و منظور از (ذی القربى ) اقربای رسول خدا ص و اهل بیت آنجناب

است و معنا ندارد که آن را به قرابت عموم مسلمانان حمل کنیم ، و مراد از (یتامی) یتیمان فقیر هستند و (مساکین) هم فقرای بسیار نیازمند و (ابن سبیل ) هم شخص در راه مانده و محتاج می باشد، از ائمه اهل بیت (علیهم السلام ) روایت شده که فرموده اند: منظور از ذی القربی ، اهل بیت و مراد از یتامی و مساکین و ابن سبیل هم یتیمان و مسکینان و درراه ماندگان از آنهاست .در ادامه به علت این حکم اشاره کرده و می فرماید: اینکه ما (فیء) را فقط به رسول خود و اقربای او و فقرای مساکین و درراه ماندگان ، اختصاص دادیم به جهت آن بود که این گونه در آمدها منحصرادر بین اغنیاء متداول نباشد و بین آنها دست به دست نگردهد، بلکه فقرا هم سهمی داشته باشند و رسولخدا ص بتواند آن را در راه خیر و مصارف حق به مصرف برساند، پس آنچه را که رسولخدا ص از این غنیمت و فیء به شما می دهد بگیری، (چون نقل شده که پیامبر ص به هر یک از مهاجرین و انصار مقداری از غنیمت را اعطاء فرمود)، و آنچه نداد و شما را منع کرد، شما هم دست بردارید و مطالبه نکنید و نخواهید که مابقی آن نیز میان همه تقسیم شود. این آیه با قطع نظر از سیاق ، مفهومی عمومی دارد که شامل تمام اوامر و نواهی رسولخدا ص می شود. و در آخر مسلمانان را از مخالفت با رسولخدا ص برحذر می دارد و می فرماید: از خدا بترسید، همانا او شدید العقاب است و مخالف و معاند را به سختی عقوبت می کند.

## در اسلام، ثروت اندوزی و انحصار طلبی در اموال ممنوع است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ



**النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ  
الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۳۹**

سوره : توبه      جزء : دهم      حزب : ۳۹

**آیت الله مشکینی**

ای کسانی که ایمان آورده اید ، به یقین بسیاری از دانشمندان اهل کتاب و راهبان آنها ، اموال مردم را به باطل ( به بهای تحریف تورات و انجیل و گرفتن رشوه ) می خورند و ( مردم را ) از راه خدا باز می دارند و کسانی ( از کفار یا مسلمین ) که طلا و نقره را گنجینه می سازند و در راه خدا ( به واسطه اخراج حق واجب و فرار دادن باقی در چرخش اقتصاد امت ) هزینه نمی کنند همه آنان را به عذابی دردناک بشارت ده.

**تفسیر المیزان - خلاصه**

(یا ایها الذین امنوا ان کثیرا من الاحبار و الرهبان لیاکلون اموال الناس بالباطل و یصدون عن سبیل اللّٰه و الذین یکنزون الذّهب و الفیضه و لاینفقونها فی سبیل اللّٰه فبشّرهم بعذاب الیم ):(ای کسانی که ایمان آورده اید بدرستی بیشتر علماء و راهبان دارائیهای مردم را به ناحق تصرف می کنند و از راه خداجلوگیری می نمایند، و کسانی که طلا و نقره را بصورت گنج ذخیره می کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، آنها را به عذابی دردناک بشارت بده )، این جمله توضیح مطلبی است که در آیه (۳۹) بیان شد که ( علماء و راهبان یهود و مسیحیت ایمان درستی ندارند و آنچه را که خدا حرام دانسته تحریم نمی کنند و به دین حق هم نمی گروند)، و تصرف در مال مردم مهمترین مصداق عدم پابندی آنها به محرّمات الهی است ، اینها اموالی را که مردم به جهت نظاهر آنها به زهد به ایشان می دهند تصرف می کنند و با می خورند و رشوه می گیرند و اموال

مخالفانشان را غصب می کنند تا حکم به ناحق نمایند یا از مردم پول می گیرند و به آنها اوراقی مبنی بر آرمزیده شدن می دهند، یعنی بهشت را به آنان می فروشند. با آنکه بهشت متعلق به آنها نیست و آن را به بهای اعمال نیک می دهند نه با پول یا بگوئیم اینها از سلاطین و ثروتمندان پول می گرفتند و در مقابل ، حلال خدارا حرام و حرام او را حلال می نمودند که این عمل عین همان اخذ رشوه در برابر حکم است ، اما در تعدی و ستم آنان همین بس که قبایله مغفرت و بهشت را به مردم می فروختند و همچنین اینها راه خدا را سد می نمودند، یعنی سد راه حکومت عادلانه دینی بودند و نمی گذاشتند که آن حکومت به اغراض و اهدافش که همان اصلاح مردم و سعادت آنان است برسد. و همچنین با جمع آوری تجهیزات ، با اهل دین به محاربه بر می خاستند، مانند آنچه در جنگهای صلیبی و کشتور گشائی واقع شد و همیشه بر این روش بوده اند که در راه دین خدا کارشکنی کرده اند و در جهت تشویق و توسعه تمایلات مطابق مرامشان کوشیده اند و فساد و انحطاط را در جوامع گسترده اند، بگونه ای که جوامع تنها به مسائل پست حیوانی و امور شکم و مادون آن سرگرم باشند و این کارشکنی ها و توطئه ها بر علیه اسلام ، تا امروز هم ادامه دارد. آنگاه در ادامه ، مسأله مال اندوزی را مطرح می نماید که اختصاص به اهل کتاب ندارد و مطلبی مطلق است و شامل مسلمین نیز می شود که می فرماید: کسانی که طلا و نقره را انبار کرده و حیس می نمایند و برای خود گنج می اندوزند و مانع از جریان پول در بین مردم در معاملات اقتصادی می شوند و نمی گذارند اقتصاد جامعه بارور گردد و همه مردم از آن ذخایر بهره مند شوند و همچنین آنها را در راه خدا انفاق هم نمی کنند، مثلا برای امر جهاد یا حفظ مصالح دین که قوام دین متوقف بر آنهاست ، اموال خود را صرف نمی نمایند. در این صورت ای پیامبرما، آنها را به عذابی دردناک نوید بده ، چون ایشان مصالح خود و اولادشان را بر حاجات قطعی جامعه دینی ترجیح داده و خودشان را بر پروردگارشان مقدم نموده اند و این امر خیانت به خدا و رسول اوست

**جمع ثروت تا چه اندازه کنز محسوب می شود ؟ در میان مفسران در مورد آیه فوق گفتگو است که آیا هر گونه گرد آوری ثروت اضافه بر نیازمندیهای زندگی کنز محسوب می شود ، و طبق آیه فوق حرام است ؟ یا این که این حکم مربوط به آغاز اسلام و قبل از نزول حکم زکات بوده است.**

جمع ثروت تا چه اندازه کنز محسوب می‌شود؟

در میان مفسران در مورد آیه فوق گفتگو است که آیا هر گونه گرد آوری ثروت اضافه بر نیازمندیهای زندگی کنز محسوب می‌شود، و طبق آیه فوق حرام است؟ یا این که این حکم مربوط به آغاز اسلام و قبل از نزول حکم زکات بوده و سپس با نزول حکم زکات بر داشته شده؟ و یا این که اصولاً آنچه واجب است پرداختن زکات سالانه است و نه غیر آن، بنابراین هر گاه انسان اموالی را جمع‌آوری کند و هر سال مرتباً مالیات اسلامی آن یعنی زکات را بپردازد مشمول آیه فوق نخواهد بود در بسیاری از روایات که در منابع شیعه و اهل تسنن وارد شده تفسیر سوم به چشم می‌خورد مثلاً در حدیثی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چنین می‌خوانیم: ای مال ادیت زکاته فلیس بکنز: هر مال که زکات آن را بپردازی کنز نیست.

و نیز می‌خوانیم: هنگامی که آیه فوق نازل شد کار بر مسلمانان مشکل گردید و گفتند با این حکم هیچیک از ما نمی‌تواند چیزی برای فرزندان خود ذخیره کند و آینده آنها را تامین نماید... سرانجام از پیامبر سؤال کردند، پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: **ان الله لم یفرض الزکوة الا لیطیب بها ما بقى من اموالکم و انما فرض الموارث من اموال تبقی بعدکم**: خداوند زکات را واجب نکرده است مگر به خاطر این که باقیمانده اموال شما برای شما پاک و پاکیزه باشد، لذا قانون ارث را در باره اموالی که بعد از شما می‌ماند قرار داده است یعنی اگر گردآوری مال به کلی ممنوع بود قانون ارث موضوع نداشت.

#### تفسیر نمونه ج: ۷ ص: ۳۹۵

در کتاب امالی شیخ از پیامبر نیز همین مضمون نقل شده است که هر کس زکات مال خود را بپردازد باقیمانده آن کنز نیست. ولی روایات دیگری در منابع اسلامی مشاهده می‌کنیم که مضمون آن با

تفسیر فوق ظاهرا و در بدو نظر سازگار نیست ، از جمله حدیثی است که در مجمع البیان از علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود : **ما زاد علی اربعة آلاف فهو كنز ادى زكوة او لم يودها و ما دونها فهي نفقة فبشرهم بعذاب الیم** هر چه از چهار هزار ( درهم ) - که ظاهرا اشاره به مخارج یک سال است - بیشتر باشد كنز است خواه زكاتش را بپردازند یا نه ، و آنچه کمتر از آن باشد نفقه و هزینه زندگی محسوب می شود ، بنابراین ثروت اندوزان را به عذاب دردناک بشارت ده .

و در کتاب کافی از معاذ بن کثیر چنین نقل شده که می گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم می گفت : شیعیان ما فعلا آزادند که از آنچه در دست دارند در راه خیر انفاق کنند ( و باقیمانده برای آنها حلال است ) اما هنگامی که قائم ما قیام کند تمام کنزها و ثروت های اندوخته را تحریم خواهد کرد تا همه را نزد او آرند و از آن در برابر دشمنان کمک گیرد و این مفهوم کلام خداست که در کتابش فرموده **و الذین یکنزون الذهب و الفضة** در شرح حال ابو ذر نیز کرارا و در بسیاری از کتب این مطلب نقل شده است که او آیه فوق را در برابر معاویه در شام هر صبح و شام می خواند و با صدای بلند فریاد می زد : **بشر اهل الكنوز بکی فی الجباه و کی بالجنوب و کی بالظهور ایدا حتی یتردد الحر فی اجوافهم** : به گنج اندوزان بشارت ده.

#### تفسیر نمونه ج : ۷ ص : ۲۹۶

که هم پیشانی آنها را با این اموال داغ می کنند و هم پهلوها و هم پشت هایشان را تا سوزش گرما ، در درون وجود آنها به حرکت در آید ! .

و نیز استدلال ابو ذر در برابر عثمان به آیه فوق نشان می دهد که او معتقد بوده است که آیه مخصوص مانعان زکات نیست ، بلکه غیر آنها را نیز شامل می شود .

از بررسی مجموع احادیث فوق به ضمیمه خود آیه می توان چنین نتیجه گرفت که در شرایط عادی و

معمولی یعنی در مواقعی که جامعه در وضع ناگوار و خطرناکی نیست و مردم از زندگانی عادی بهره‌مندند پرداختن زکات کافی است و باقیمانده کنز محسوب نمی‌شود ( البته باید توجه داشت که اصولاً با رعایت موازین و مقررات اسلامی در درآمدها ، اموال به صورت فوق العاده متراکم نمی‌شود ، زیرا اسلام آنقدر قید و شرط برای آن قائل شده است که تحصیل چنین مالی غالباً غیر ممکن است ) و اما در مواقع فوق العاده و هنگامی که حفظ مصالح جامعه اسلامی ایجاب کند حکومت اسلامی می‌تواند محدودیتی برای جمع‌آوری اموال قائل شود ( آنچنانکه در روایت علی (علیه‌السلام) خواندیم ) و یا به کلی همه اندوخته‌ها و ذخیره‌های مردم را برای حفظ موجودیت جامعه اسلامی مطالبه کند ( آنچنان که در روایت امام صادق (علیه‌السلام) در باره زمان قیام قائم آمده است که با توجه به ذکر علت در آن روایت سایر زمانها را نیز شامل می‌شود زیرا می‌فرماید :

( فبستعين به علي عدوه ) .

**تفسیر نمونه ج : ۷ ص : ۳۹۷**

و یا اینکه نظر ابو ذر به اموال بیت المال بود که در دست عثمان و معاویه قرار داشت ، و می‌دانیم این گونه اموال را با وجود مستحق و نیازمند لحظه‌ای نمی‌توان ذخیره کرد ، بلکه باید به صاحبانش داد و مسئله زکات در اینجا به هیچوجه مطرح نیست .

به خصوص همه تواریخ اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت گواهی می‌دهد که عثمان اموال کلانی از بیت المال را به خویشاوندان خود داد ، و معاویه از آن کاخی ساخت که افسانه کاخهای ساسانیان را زنده کرد و ابو ذر حق داشت که در برابر آنها این آیه را خاطر نشان سازد! .

در میان مفسران در مورد آیه فوق گفتگو است که آیا هر گونه گرد آوری ثروت اضافه بر نیازمندیهای زندگی کنز محسوب می‌شود ، و طبق آیه فوق حرام است ؟ یا این که این حکم مربوط به آغاز اسلام

و قبل از نزول حکم زکات بوده و سپس با نزول حکم زکات بر داشته شده ؟ و یا این که اصولاً آنچه واجب است پرداختن زکات سالانه است و نه غیر آن ، بنابراین هر گاه انسان اموالی را جمع‌آوری کند و هر سال مرتباً مالیات اسلامی آن یعنی زکات را بپردازد مشمول آیه فوق نخواهد بود در بسیاری از روایات که در منابع شیعه و اهل تسنن وارد شده تفسیر سوم به چشم می‌خورد مثلاً در حدیثی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چنین می‌خوانیم : ای مال ادیت زکاته فلیس بکنز : هر مال که زکات آن را بپردازی کنز نیست .

و نیز می‌خوانیم : هنگامی که آیه فوق نازل شد کار بر مسلمانان مشکل گردید و گفتند با این حکم هیچیک از ما نمی‌تواند چیزی برای فرزندان خود ذخیره کند و آینده آنها را تامین نماید ... سرانجام از پیامبر سؤال کردند ، پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود : **ان الله لم یفرض الزکوة الا لیطیب بها ما بقى من اموالکم و انما فرض الموارث من اموال تبقی بعدکم** : خداوند زکات را واجب نکرده است مگر به خاطر این که باقیمانده اموال شما برای شما پاک و پاکیزه باشد ، لذا قانون ارث را در باره اموالی که بعد از شما می‌ماند قرار داده است یعنی اگر گردآوری مال به کلی ممنوع بود قانون ارث موضوع نداشت .

در کتاب امالی شیخ از پیامبر نیز همین مضمون نقل شده است که هر کس زکات مال خود را بپردازد باقیمانده آن کنز نیست .

ولی روایات دیگری در منابع اسلامی مشاهده می‌کنیم که مضمون آن با تفسیر فوق ظاهراً و در بدو نظر سازگار نیست ، از جمله حدیثی است که در مجمع البیان از علی (علیه‌السلام) نقل شده که فرمود : **ما زاد علی اربعة آلاف فهو کنز ادی زکونه او لم یودها و ما دونها فهی نفقة**

**فبشرهم بعذاب الیم** هر چه از چهار هزار ( درهم ) - که ظاهراً اشاره به مخارج یک سال است -

بیشتر باشد کنز است خواه زکاتش را بپردازند یا نه ، و آنچه کمتر از آن باشد نفقه و هزینه زندگی محسوب می‌شود ، بنابراین ثروت‌اندوزان را به عذاب دردناک بشارت ده .

قالب : فلسفی      موضوع اصلی : حرام خواری

### دنیاپرستی علما - پیام -

- ۱- همه‌ی علمای اهل کتاب، بد نیستند. [۶۲] «کنیراً من الأحبار»
- ۲- سوء استفاده از موقعیت‌ها، حرام است و بزرگ‌ترین خطر برای علمای دین، فساد مالی است. «لِیَاکُلُونَ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (کسانی که متولّی موقوفات‌اند و آنها را در مسیر اهداف وقف شده مصرف نمی‌کنند، از مصادیق این آیه می‌باشند)
- ۳- بهره‌گیری علما از مال مردم و بهره نرساندن به آنان، موجب بی‌رغبتی مردم به دین می‌شود و مصادق «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» است. «لِیَاکُلُونَ اَمْوَالَ النَّاسِ ... وَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»
- ۴- بازداشتن علمای یهود و نصاری مردم را از راه حقّ، به خاطر دست‌یابی به دنیاست. «یکنزون... یصدون»
- ۵ - در اسلام، محدودیتی برای سرمایه نیست، اما راه تحصیل آن شروطی دارد و زراندوزی و بدمصرف کردن ثروت حرام است. «الذین یکنزون... ولا ینفقونها فی سبیل اللّٰه» (وقتی زراندوزی حرام باشد، احتکار ضروریات قطعاً حرام است)
- ۶- مال اندوزی یک بلای اجتماعی است و بدتر از آن حرص است و بدتر از آن احتکار و پنهان کردن است. چون مشکلات بسیاری را برای جامعه فراهم می‌کند. «الذین یکنزون... ولا ینفقونها»
- ۷- دنیاپرستی علما و زراندوزی ثروتمندان، سبب قهر الهی است. «فیشترهم...»
- ۸ - جمع‌آوری طلا و نقره و پول، و انفاق نکردن و احتکار آن، گناه کبیره است. چون وعده‌ی عذاب به آن داده شده است. «الذین یکنزون... عذاب الیم»

منبع : تفسیر نور      قالب : تفسیری      موضوع اصلی : اهل کتاب

### سوالات تشریحی یا مشارکت خانواده

- ۱- منظور از آیه واعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنه و ان الله عنده اجر عظیم چیست ؟
- ۲- غرض از آیات پایانی سوره مائده چیست؟
- ۳- تکنیکهای قرآنی برای اصلاح سبک زندگی را به اختصار توضیح دهید؟
- ۴- در مورد اینکه اموال خود را به افراد سفیه نسپاریم ذکر نمائید؟
- ۵- در مورد آیه ولاتقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً توضیح دهید؟
- ۶- به طور خلاصه در مورد اینکه در داد و ستد محتاط باشیم خدا در قرآن چه دستوری فرموده است؟
- ۷- در مورد توکل کردن به خداوند چند سطر را به اختصار توضیح دهید؟
- ۸- الطاف ویژه که مخصوص متقین است را نام ببرید؟
- ۹- در مورد اثر ولایت خدا و عدم اثر ولایت خدا توضیح دهید؟
- ۱۰- جمع ثروت تا چه اندازه کنز محسوب میشود؟





خواننده محترم، ضمن تشکر از این که مطالب آیه های زندگی را مطالعه نمودید، خواهشمند است با پاسخ دادن به سوالات زیر ما را در ادامه کار یاری فرمایید:

نام: \_\_\_\_\_ نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ نام پدر: \_\_\_\_\_ سال تولد: \_\_\_\_\_  
 میزان تحصیلات: \_\_\_\_\_ رشته تحصیلی: \_\_\_\_\_ محل کار خود یا همسر یا والدین: \_\_\_\_\_

۱. آیا مطالعه مطالب در زندگی شما اثری داشته است؟

بلی  خیر

۲. آیا مطالعه مطالب در افزایش اطلاعات قرآنی شما موثر بوده است؟

بلی  خیر

۳. در صورت مثبت بودن جواب سوال قبل، میزان تاثیر چه قدر بوده است؟

خیلی زیاد  زیاد  متوسط  کم

۴. آیا مطالب از حیث محتوا، مناسب بوده است؟

بلی  خیر

۵. قالب عرضه مطالب مناسب بوده است؟

بلی  خیر

۶. در خواندن مطالب با مشکل مواجه شده اید؟

بلی  خیر  کم  زیاد

۷. کدام یک از مباحث اهمیت بیشتری داشته است؟

اعتقادی  عبادی  اخلاقی  اجتماعی  اقتصادی

۸. به نظر شما، ادامه این طرح مفید خواهد بود؟

بلی  خیر

در آخر نقطه نظرات، پیشنهادت، انتقادات خود را به آدرس ذیل ارسال نماید.

باتشکر

التماس دعا

ومن الله توفیق

نشانی: شهرک قدس خیابان سیمای ایران بین فلامک و زرافشان ساختمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طبقه اول مرکز بسیج وزارت بهداشت - بسیج خواهران



وزارت بهداشت و درمان، آموزش پزشکی



مرکز تحقیقات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

# سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی

نشانی: شهرک قدس - بلوار فرحزادی - بین فلاک و زرافشان - ساختمان وزارت  
بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - طبقه اول مرکز بسیج وزارت بهداشت -

بسیج خواهران